بالسم السلام همان عدد [illegible]

و مقرون باید بسلام قولاً من رب رحیم بهمان عدد پس آب خرم باید

باران دارد مشیر شود یا آب عذب صافی که از نهر بزرگ جاری گرفته باشد

نوشته را محو باید کرد و بخورد و معمول بدان باید داد و جهت اجابت

دعوات و حصول مرادات و خیرات و نفاذ قول و قبول قلوب

و غیر آن این حرف سین با آن آیه هر صباح میان سنت و فریضه بامداد

صد و بیست بار باید خواند و اگر این حرف و آیه سین بهمان عدد بمشک

و گلاب و زعفران در ساعات لایقه بر کاغذ پاک نویسد بشرایط کتابی و با خود

نگاه دارد در حصول مقاصد و وصول مطالب اتم و اکمل خواهد بود و

سکاکی در خواص حروف آورده که اگر کسی این حرف سین ورد سازد که هر روز در

وقت پیشین شصت بار بگوید صاحب کرامات گردد و در عمل سکاکی

و عملی که پیش از این گذشت باید که سین بیاء خطاب خواند و یاسین

گوید تا نتیجه کلی مترتب شود و هم سکاکی گوید که اگر این حرف سین شصت

بار بنویسد و بر طفلی بندد زود بسخن درآید و لکنت از زبان وی برخیزد

فصل هشتم در خواص حرف شین و آن یکی از حروف سبعه است که در آیه

اسم اعظم واقع شده و صاحب در النظیم فرموده که روز دوشنبه از ایام هفته

تعلق [illegible]

تعلق بوی دارد و اهل خاصیت گویند که این حرف در اسمای الله از برای هلاک
اعداست و در اعمال قهریه نهایت موثر است و در کتب اهل خواص
مسطور است که اگر این حرف سه چهل و سه بار بر بریده قفل نویسید و آن سه
بر چادر دختری که بخت وی بسته باشد بزنند و بر چهل و سه خرما نویسید
و نزدیک آن قفل بر دامن دختر نهند و در حمام عام دیر ان بنشانند چون کسی
بیاید و آن قفل بگشاید و از آن خرما تناول کند بخت آن دختر بگشاید
و زود شوهری شایسته بر سر وی آید و دولت را روی نماید و اگر بنام کسی
بر چهل پاره کاغذ نویسید و چهل تیره نان سازند و هر کاغذی را در میان
یک تیره نان به پیچند و هر نان به سگی دهند تا بخورد زبان آن کس بسته گردد
و بعضی که در خواص حرف آورده که اگر کسی خواهد که بداند که حامله پسر
آورد یا دختر باید که شب چون بفراش در آید سفید با این حرف سه
بعد و تجلیش بر زبان راند و خواب کند در واقع بوی نمایند که پسر است
یا دختر و اگر بر طعامی یا شیرینی همین عدد بخوانند و بخورد حامله دهند
وقتیکه اثر وضع حمل ظاهر شده باشد بسرعت و سهولت بار نهند
فصل نهم در خواص حرف صاد ارباب خاصیت در کتب خود نوشته اند
که این حرف در اسمای الله از برای تحصیل خیر و برکت و سکون و طمانینت است

و این حرفی بزرگوار است و خواص وی بسیار و سکاکی در کتاب خواص آن حرف آورده که هرکه بر تکرار این حرف در وقت راه رفتن مداومت کند زمین در زیر قدم وی مطوی شود و نیز وی قطع مسافت کند بی آنکه ماندہ شود و گویند که هرکه هر صباح بعد از فریضه با مداد این حرف سیصد و نود و پنج بار بعدد مفصلش مقرون باسم الصمد بخواند از مرض جوع خلاص شود و در باطن وی صفت اطمینان پیدا آید فصل دهم در خواص حرف ضاد ارباب خواص در رسایل خود نوشته اند که این حرف در اعمال از برای شرارت و احداث فتن است و سوء حال اعدا و محاربه و مقاتله است و سکاکی در خواص خود آورده که هرکه این حرف سه هشتصد بار بر خوردنی بخواند و بخورد مجنونی دهد یا کسیکه ضعف دل و خفقان دارد و آن جنون و خفقان از او زایل شود و عمل این حرف در قهریات بغایت قوی است خصوصاً و قتیکه آن را بنام دشمن هشتصد بار بخوانند مقرون باسم شریف الضاد یا بنام وی بنویسند و محو کرده در منزل وی بر جدار او در و دیوار رش کنند و اگر در حق دشمنی مجموع این اعمال کلامی و کتابی واقع شود اثر عظیم کند و آن دشمن بزودی نیست و نابود شود فصل یازدهم در خواص حرف طاء بعضی از علماء این فن گفته اند

که این حرف

که این حرف در اعمال از برای اخذ فایده است و منفعت و نیل برکت و جمعیت را
و در بعضی از کتب معتبرهٔ این طایفه مذکور است و هر که خواهد که از میان
جمعی اعدا زود بسلامت و عافیت بیرون آید چنانکه هیچ ضرری و آسیبی
بوی نرسد باید که بر هر ناخن خود یکبار این حرف را بنویسد و در آن
اثنا ده بار بعدد مفصلش بیک نفس نیز بر زبان راند پس قدم بیرون
نهد بسلامت از میان ایشان بگذرد که هیچکس وی را نه بیند و اگر هم
بینند متعرض وی نشود و از مکر ایشان هیچ مکروهی بوی نرسد فصل
دوازدهم در خواص حرف ظاء و آن یکی از حروف سبعه است که آیه اسم
اعظم واقع شده و صاحب درالنظیم گوید که روز چهارشنبه از ایام هفته
تعلق باین حرف دارد و بعضی از اهل خاصیت گفته اند که این حرف در
اعمال از برای ایجاد محنت و مشقت و عقوبت است و سکاکی آورده
که اگر کسی از ظالمی ترسد هر بامداد نهصد بار بعدد مجلش و بینی هم
نهصد بار بخواند و بجانب وی و منزل وی نفث کند شر وی آن
ظالم دفع شود و اگر بهمین عدد بنویسد و بر مصروع بندد شفا یابد باب سیم
در صفات و خواص یازده حرف ع غ ف ق ک ل م ن و هی مشتمل
بر دوازده فصل است فصل اوّل در خواص حرف عین فصل دوم در خواص

حرف غین فصل سیم در خواص حرف فاء فصل چهارم در خواص حرف قاف
فصل پنجم در خواص حرف کاف فصل ششم در خواص حرف لام فصل هفتم
در صفات حرف میم فصل هشتم در خواص حرف میم فصل نهم در خواص
حرف ن فصل دهم در خواص حرف واو فصل یازدهم در خواص حرف
یاء فصل دوازدهم در خواص حرف یاء فصل اول در خواص حرف عین اهل
خاصیت گفته‌اند که اینحرف را اعمال از برای حصول دولت و حشمت ا
و در کتب اینطایفه مسطور است که اگر کسی ده بار حرف عین را بانیصورت
ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع بر برگ ترنج نویسد و بخون کبوتر
و گلاب محو سازد و صاحب قولنج و قبض از آن شربت بیاشامد
گشاد یابد و صاحب در النظم آورده که هر که در وقت بانگ نماز جمعه
هفتاد بار حرف عین را بانیصورت ع بر حریر سفید نقش کند وقتی که مشتری
و عطارد خوشحال باشند و آن نوشته را در زیر نگین انگشتری نهند و در انگشت کنند
حق بر زبان او سخن حکمت جاری گرداند و چون درهمی ذی دل خود بیاویزد
و بفهم و عقل کامل مرزوق شود و هر که آن را با خود نگاه دارد قدر وی بلند شود
و جاه وی بیفزاید و اگر در ذیل هر حرف اسم شریف العزیز را بنویسد در حصول
نتیجه اقوی بود و سکاکی در کتاب خود آورده که اگر کسی محبوب سرکش بهم

که سر بهر فرود

که سر بوی فرو نیاورد و دائم بر وی جفا کند باید که این حرف هفتصد بار بمشک و زعفران کتابت کند و بشوید آن محبوب مطیع و فرمان بردار وی شود و اگر بر مقدار حلوا خواند بهمین عدد و بخورد محبوب دهد بغایت دوست گردد و در مقام عداوت نحو بعینیانیه که هرگز مخالفت نکند فصل دوم در خواص حرف غین اهل خاصیت نوشته اند که این حرف در اعمال از برای احداث فتنه و فساد است و برای شقاوت و ضلالت اعدا مستعمل است و یکی آورده که اگر کسی این حرف هر روز هزار بار بگوید و بجانب دشمن دمد بر وی بغایت و نابود شود و اگر بر برگ حنظل نویسد بهمین عدد و در خانه دشمن اندازد و یا دفن کند از خان و مان آواره گردد و اعمال این حرف در خصومت بسیار است و بعضی گویند که تکرار وی به نیت ثروت و حصول توانگری مقرون باسم شریف الغنی مثمر ثروت و حصول نعمت است فصل سیم در خواص حرف فا و آن از جمله حروف سبعه است که در آیه اسم اعظم آمده و صاحب درالنظیم آورده که روز شنبه از ایام اسابیع تعلق باین حرف دارد و بعضی از اهل خاصیت گفته اند که این حرف در اعمال از برای خواری و مذلت اعدا مقرر است و صاحب تیسیر المطالب آورده که هر که هشتاد و یکبار این حرف بعدد و مفصلش بخواند با اسماء او که در فصل هفتم از باب پنجم از مقاله اولی ایراد یافته بر هر مقصودی که دارد فایز گردد و هر که مداومت کند بر این حرف

و اسماء وی خصوصاً اسم شریف الفتاح انواع معارف و حقایق و لطایف و دقایق
از علوم خفیه نفیسه بر دل وی مفتوح و مکشوف شود و ابواب واردات صوری و
معنوی بر روی گشاده گردد و هر دشوار بیابد آسانی متبدل شود و ذکر اینحرف سه هشتاد و
یکبار بر جام زجاجی و یا قدح چینی نویسد و در زیر هر حرفی اسم شریف الفتاح رقم زند
بالف لام تعریف یا بیاء خطاب و اولی آنست که در اعمال کتابی اسماء الهی سه
بالف لام نویسند و در اعمال کلامی بیاء خطاب گویند و در شیمل فراز کوس پاک باید و
بسعود ناظر پس نوشته شود با آب طاهر محو کرده بخورد حامله دهد وقتی که زه فرزادن
پیدا شده باشد بسهولت و سرعت بار نهد و ذکر مخصوصی تلاوت اینحرف و
اسماء وی تخصیص اسم یا فتاح قیام نماید بزودی خلاص شود و در مجموع کارهای فروبسته فتاح
داو ضایع درهم شکسته مواظبت نمودن بر اینحرف و اسماء وی علی الخصوص اسم الفتاح
بغایت نافعست و سکاکی در کتاب خود آورده که اگر کسی هشتاد روز متصل هر روز
هشتاد بار اینحرف سه بر زبان راند و کابین و ثمن نقش کند تا بود و ضایع شود
هم در آورده که هر که بنام غایبی نه هزار بار بر قطعه کرباس نو پاک نویسد و در آتش
اندازد اگر وی در مغرب بود و عامل در مشرق که بزودی خود را بعامل رساند فصل سیم
در خواص حرف قاف بعضی گفته اند که اینحرف از برای تحصیل روح در حرکت است
و بعضی دیگر از عاملان در اعمال قهریه بآن توسل جسته اند و در کتب ایشان مذکور است

که هر که

که هرکه صد بار این حرف بر برگ جوز نویسد و در منزل ظالمی و فاسقی پنهان کند کار
آن ظالم فرو بندد و سلسلهٔ آن فاسق نامنتظم گردد و درهم شکنند و سکاکی آورده
که اگر کسی این حرف دویست بار بر کاغذ نویسد و در زیر سنگی گران نهد بنام هرکه
این عمل کند خواب وی بسته شود تا کاغذ را بیرون نیاورد و نوشته را محو
نسازد آنکس خواب نیابد و آرام نگیرد فصل پنجم در خواص حرف کاف بعضی
از اهل این فن گفته اند که این حرف در اعمال از برای القاء محبت است
در قلوب و سکاکی در کتب صفه آورده که اگر کسی این حرف دویست بار
که حاصل الضرب است در نفس او یعنی بلبیت در بلبیت بنویسد و با خود
نگاه دارد در چشم خلایق عزیز گردد و هم وی آورده که هرکه هر روز این حرف
دویست بار بر زبان راند نظر الوهیت بر دل وی منکشف گردد و در بعضی
از رسایل این طایفه نوشته اند که هرکه بلبیت حرف بنویسد بر این صورت
وقتی که قمر زاید النور باشد و [illegible] قوی بود و نوشته
بر گردن عروس از وقت بندند و در آن موضع که
گمان دفینه دارد سر دهد تا بآن موضع رود و زمین
عنقا رو [illegible] چنینها بکاود فصل ششم در خواص حرف لام

ك	ك	ك
ك	ك	ك
ك	ك	ك
ك	ك	ك
ك	ك	ك

بعضی از این طایفه گفته اند که این حرف در اعمال از برای ثبات و استقامت است

در امور دنیا و آخرت و در کتب خواص نوشته‌اند که اگر کسی این حرف را هفتاد و یکبار بعدد مفصلش بر سر حل
خواند بهمین عدد مرکب قلم و لاد نو سیر بر لوحی نقش کند و بجز زن و شوهری دهد میان
ایشان محبت و الفت ثابت شود چنان بیکدیگر مستانس شوند که اصلاً و قطعاً بی هم نتوانند بود و اگر
در عمل کلام و کتابی ... توسل باسم بزرگوار اللطیف جوید و بحروف مجمل و مفصل آن مراد آن آیه خواند
و نویسد نتیجهٔ آن اکمل و اقوی بود و در کتاب سکاکی مذکور است که اگر کسی خواهد که از چشم زخم دشمنان
پنهان شود باید که بوقت حاجت این حرف را ... بر زبان راند تا مقصود حاصل شود
و هم وی گوید که اگر بر صفحهٔ مس هفتاد و یکبار بقلم فولاد نو این حرف را نقش کند
و با خود نگاه دارند از چشم زخم حاسدان ایمن. فصل هفتم در صفات حرف میم
صاحب شمس المعارف آورده که میم از جملهٔ اقطاب حروف است و آن عبارت
از حرفیست که اول او مثل آخر او بود و آن سه حرف است که متعاقب یکدیگر
در سه فصل مذکور شد و طبع میم حار است و در وسط وی رطوبتی است میان
دو حرارت و آن حرف ... است میان دو میم و وی از حروف
نفس کلی است که عبارت از لوح محفوظ است و چون خدای تعالی وی را
بیافرید وی را انوری ... آفرید که مطموس بود بنور و بر وی نود فرشته از
ملائکه لوح بعدد مفصلش موکل گردانید و ملک ملکوت ... ستر وی قائم
و قلم ... که در میم است ظاهر گردانید و میم ستری بزرگ است که ...

۱۰۹
۱۰۹

در اسم شریف محمد صلی الله علیه و آله ودیعت نهاده است هم در اول و
هم در اوسط پس در اول ستر ملکوتست و در وسط اوستر ملک و کشف عالم ملک و
ملکوت بوی منوط و مربوط است و بر هر طالبی که اسرار میم و حافظه وی
و آنچه در عالم اوست منکشف گردد و آن فتحی بود عظیم و مرا از بعضی ثقات
استماع افتاده که حضرت شیخ محی الدین ابن العربی قدس سره در فتوحات
آورده اند که در اثنای مکاشفات مرا بر عالم میم عبور افتاد چند گاه
در مشاهده عجایب و غرایب آن عالم بماندم و در آن عالم انبیاء و اولیاء
و علماء و ملوک و طبقات خلایق و اصناف موجودات دیدم هم از
جنس آن عالم و تفصیل آن در فتوحات مذکور است فصل هشتم در خواص
حرف میم بعضی از ارباب خاصیت گفته اند که این حرف از برای
دفع وهم افقت مستعملست و در کتب خواص مذکور است که هر کس
بنام محبوب صد و پنجاه و یکبار حرف میم را بر این صورت م بر سینه سفید
پای آید نقش کند بشرطی که چشمه میم مفتوح بود نه مطموس و آن را بخورد
وی دهد و در کمتر مدتی بار ربع کند که بآن استشمام نماید اثر عظیم در محبت
و مودت بر آن مترتب گردد و در شمس المعارف مسطور است که هر که هر روز
چهل بار در شکل میم نظر کند و هر بار بخواند که قل اللهم مالک الملک تؤتی

تعالی بغیر حساب حفی نه رسباب دنیا و آخرت بزوی آسان گرداند و استعمال در فصل

دهم از باب اول از مقاله اسماء در ذکر اسم الملک بر وجه اتم و اکمل ایراد

خواهد یافت و هم صاحب شمس المعارف آورده که هرکه خواهد که عاقبت امری

بداند و خیر و شر آن سود دریابد باید که صورت حرف میم سو که از اسرار مکنونه است

کتابت کند بر ورقی پاکیزه روز دوشنبه در ساعت قمر و یا صیکرت کبور کند و

در آن روز که استعمال کند روزه دارد و شب باندک غذائی و نانی افطار کند

و به طهارت کامل بفراش رود و آن نوشته سود زیر بالین نهند پس بر دست

راست بخوابد چنانچه آن نوشته محاذی رخساره راست وی بود آنگاه سوره

تبارک سو بخواند و خواب کند وی را در خواب از عاقبت آن اخبار کنند

و خیر و شر آن سو بوی باز نمایند بر وجهی که خاطر وی گرفته اطمینان یابد

و هرکه حرف میم سو چهل بار بر جامی نویسد و به آب پاک محو سازد و بیاشامد

حق تعالی در علم و فهم وی بیفزاید و زبان وی را بالحکمت ناطق گرداند و هرکه حرف

میم سو بنویسد و با وی هشتاد بار لا اله الا الله کتابت کند و آن سو بر

بازوی راست بندد یا در جامه و طاقیه دوخته بپوشد حفی نه مهابت

و محبت وی سو در دلها افکند با آنکه گم نام و مجهول بود و از شرایط نویسنده

و بر وضو و لباس پاکیزه باشد و دایم با خود نگاه دارد و بر عالم حس مطلع شود

در شمس المعارف

و در شمس المعارف بر بخروف اعمال کلیه در تسخیرات حق مذکور است
و این نسخه محل تفصیل آن نیست فصل نهم در خواص حرف نون بعضی از اهل
خاصیت گفته اند که اینحرف در اعمال از برای فرح و سرور مقرر است و در
کتب خواص آورده اند که هر که اینحرف ۵۰ بلبیت و یکبار بر نعل نو آب
نویسد بنام کسی و در آتش اندازد آنکس برای عامل بی طاقت شود بی آرام
گردد و اگر صد و پنجاه بار حرف نون را برین صورت ن بر تیغ کارد فولاد نویسد
تا بدسته بنام کسی آنگاه در دیواری رو بقبله باشد فرو برند مادام که کارد در اندیوار
بود خواب آنکس بسته شود و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف دوم است
از انقطاع حروف و این حرف اشاره باسم است النافع النصیر النور و مراد در باب لطف
قلوب و جذب نفوس مدخل تمام است پس هر که بر تکرار وی مقرون باسم
النافع مواظبت نماید مردم بوی اقبال کنند و هر کس بقدر حال خود بوی فایده
رساند و از وی فایده گیرد و هر که بر تکرار وی مقرون باسم النصیر مداومت
کند همه اعدا مقهور و مغلوب وی شوند و همه جا در همه وقت فتح و نصر
وی را بود و هر که ادمان کند بر تکرار اینحرف مقرون باسم النور باطن وی
نورانی شود و دل وی از انوار و اسرار معرفت مملو گردد و گر دایم بشرایط کلامی
اینحرف و این اسم را بخواند چندان انوار بر باطن وی غلبه کند که بر تو آن بر قوت

با مرده وی نا فته بجنس ظاهر نیز و نمائیم از عالم غیب مشهودی کنو و در کتاب

سکاکی آورده که اینحرف سوهر که پنجاه بار بنویسد و بخود نگهدارد و هرجا نوری

از عوذیات که دیر انگیزد در دنکند فصل دهم در خواص حرف واو بعضی از اینها یعنی

گفته اند که اینحرف در اعمال از برای ابدا و مضرت است و در کتب اهل خاصیت

نوشته اند که اینحرف سو بود ۹ بار بنام کسی بر ورق آهو نویسد و از درختی در

آویزند شوراب آنکس بسته شود و اگر بنام دشمن دولت ۵ بار بر کاغذی نویسند

و از باد روی در آدیزند آن دشمن سرگردان و بر ایشان شود و هیچ جا قرار نگیرد و دارآرام

نداشته باشد و صاحب شمس المعارف آورده که اینحرف تیم است از اقطار حروف

و این سه حرف سو در میان حروف بسبب انکه جزو اول الشاده از جنس

جزو آخر است مزیت اختصاصی و امتیازی و قیمت حروف واو سو

دوازده اسمست که ذکر آن در فصل هفتم از باب پنجم از مقاله اولی ایراد یافته

و خواص بسیار بر اسماء اینحرف مترتب است چنانچه شمه از آن در فصل نهم

از باب چهارم از مقاله اسماء مذکور خواهد شد و حروف واو سو لوحی است

خاصه که شش در شش است چنانچه در کتاب شمس المعارف ایراد نموده و

شیخ فرموده که هر طالب صادق که روز و شنبه نزدیک بطلوع آفتاب اینشکل سعد

بر خاتمی نقش کند حامل او از جمیع آفات و بلیات محروس ماند و تا آن

لوح

لوح بادی بود از همه امراض و عرض در پناه باشد و سکاکی در کتاب خود آورده
که اگر کسی در علت سفر داشته باشد و میسر نشود هر صباح شصت بار اینحرف را بخواند
و بدان جانب دمد که مقصود اوست بزودی موانع مرتفع شود و آن سفر دست
دهد و صورت آن شکل اینست مانند

یعنی در اعمال کتب بر کسی توانگر قمر

د	ه	ح	و	ا	ح
ا	و	د	ح	ح	ه
ح	ح	ه	ا	د	و
ح	ا	و	ح	ه	د
و	د	ا	ه	ح	ح
ه	ح	ح	د	و	ا

فصل یازدهم در خواص حرف ها ء
از علماء این فن گفته اند که اینحرف
از برای جلب منفعت است و در
خواص نوشته اند که اگر فقر و فاقه
مستولی شود از زیر ناودان جبل
سنگ ریزه بر چینند و در وقتی که
زاید النور و مسعود باشد حبل حرف
ها و بر آن جبل سنگ ریزه بنویسد و آنجا که خوابگاه اوست دفن کنند
بشرطی که در آن منزل و مقام اوی تا شروع از وی صادر نشود حقیقتاً نه
نعمت و مال بسیار کرامت فرماید و جمعیت کلی روی نماید و پوشیده نماند
که اینحرف از جملهٔ حروف نورانی است که دو جا در اوایل سورهٔ قرآنی واقع
شده است اول کهیعص دوم در طه و نزد جمعی از ارباب تحقیق
اسم اعظم عبارت از وست و گویند بحقیقت اسم الله اینحرف است

دالف لام از ابراز تعریف و باصطلاح صوفیه قدس الله ارواحهم حرف
ها عبارت از مرتبه غیب هویت است یعنی ذات مجرد از ملاحظه اسماء
و صفات و اینه مرتبه فوق مرتبه الوهیت کما قال سبحانه هو الله الذی
لا اله الا هو و شیخ بزرگوار نجم الدین کبری قدس الله تعالی سره در بعضی از رسایل
خود آورده که ذکری جارحیت بحسب دوام بر نفوس حیوانات انفاس ضروریت
ایشان است که حرف ها از آن تولد میکنند به توسط و آلتی از رحی ریح و حرف
و این حرف است که اشارت بغیب هویت است چنانچه بعضی محققان
گفته اند ها غیب هویت آمدای حرف شناس ها انفاس نور ابو بر آن حرف
اساس کم باشد که از این حروف در هیئت و هر کس ها هر فت گفتم شگرف از کردار
پاس کن و این مظمون دلیل است بر آنکه هو که هم این حرف است اسم اعظم باشد
چنانچه در فصل دوم از باب پنجم از مقاله سیم ایمانی بر آن خواهد رفت و در
فصل دوم اوّل از همان مقاله ثمره از غرض در ایراد خواهد یافت پس اگر طالبی
صادق بحسب انفاس بر سبیل دوام باین ذکر شریف قیام نماید و بهمگی همت خود
متوجه غیب حضرت حق سبحانه گردد و خود را بآن در دهد تا وقتی که مناسبت بعالم
بی کیف و کم پیدا کند بی شبهه دیر یا زود بعد از تحصیل مناسبت با آن عالم قوتی تمام حاصل
خواهد شد که در عالم کیف و کم عبارت از عالم حس و شهادت است تصرفات

کلی

کلی تواند نمود و بر هر چه خواطر گمارد تواند که از قوت بفعل آرد و عظیم اذکار است
والعاقل یکفیه الاشاره و در بعضی از رسایل ارباب حروف مذکور است که حرف
ع از برای قهر اعدا و زجر ظلمه و فسقه اثر عظیم دارد چه این حرف که عدد جمل وی
هفتاد است تعلق بمریخ دارد و کسی که صد و هفده بار که عدد مبسوطهٔ اوست یعنی
۱۱۵ الف بر صفحهٔ سرب عدد یا زنگار نقش کند وقتی که قمر منحوس بود و اگر
در آن ساعت نظرات نحس واقع باشد بهتر بود و اگر آن رقم در ساعت مریخ یا زحل
اتفاق افتد با وجود خسوف تاثیر وی بغایت قوی بود و بعد از اتمام عمل آن
صفحه سود در سرای ظالمی و فاسقی که خلق خدای تعالی از فسق و ظلم وی به تشویش
باشند بیفکنند بزودی آن ظالم و آن فاسق از آن دیار آواره شود و منزل وی
خراب گردد و در کتاب سکاکی مذکور است که اگر بنیت هلاک دشمن هفتاد بار
این حرف را بر خاک گورستان قدیم یا خاک وقف خوانند و در خانه دشمن ریزد
هلاک شود و منزل وی ویران گردد فصل دوازدهم در خواص یاء و بعضی از ارباب
خاصیت گفته اند که این حرف از برای فتح و نصرت مستعمل است و بعضی بر آنند
که در اعمال از برای شکیبائی و صبر مقرر است و در کتب اهل خواص مذکور است
که اگر کسی ده بار حرف یا را بعدد جمل در بر کارد و بنویسد بنام شخصی و آنرا در
زیر خاک دفن کند خراب آن شخص بسته شود و سکاکی در کتاب خود آورده

که اگر کسی این حرف را صد بار بنام شخصی بر زبان راند زبان وی از غیبت و بهتان و تهمت
عاطل بسته شود و اگر بهمین عدد بر حریر سفید نویسد و با خود نگاه دارد زبان همه خلایق
نسبت بوی بسته شود و صاحب در النظیم آورده که هر که بر ورقی یک در صباح
روز پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب حرف یا سیصد مرتبه کتابت کند بعدد بهمانی
که در وسط ایشان این حرف است مثل علیم و حکیم و آن سی و هشت اسمست
از اسماء حسنی که در فصل نهم از باب سیم از مقاله اسماء ایراد خواهد یافت و اگر در ذیل
هر حرفی اسمی از آن اسماء کتابت کنند اثر وی قوی‌تر بود و بعضی گویند که باید صد بار
کتابت کنند بعدد حاصل الضرب وی در نفس وی پس نوشته را با خود نگاه دارد
جمیع محرمان مکروه و مبغوض وی شوند و از جمله منهیات است خاطر وی افسرده گردد
و فهم در زیاده شود و حدت ذهن وی بیفزاید و اگر این حرف را بعدد مذکور در
برالاوت زراعت نقش کنند برکت بسیار در آن زرع پدید آید و از آفات سماوی
و ارضی ایمن ماند و اگر بر کلنگی نقش کنند و بآن چاه و کاریز کنند آب بسیار ظاهر شود
والله اعلم باب چهارم در خواص حروف مقطعه و آن مشتمل بر دوازده فصل است شش فصل
از آن در خواص و فقرات مقطعات است که بمعاونت یکدیگر افاضه آثار
میکنند و شش فصل دیگر در خواص مقطعات اوایل سورست که هر یک علاحده
افاده منافع مینمایند فصل اول در ذکر عدد حروف مقطعات و خواص مجموع آن

مرسبعل احجاب

بر سبیل اجمال فصل دوم در خواص دو فقره کهیعص حمعسق با یکدیگر فصل سیم در خواص فقرات
اربعه و خمسه و سته از مقطعات فصل چهارم در خواص فقرات ثلثه عشر و اربعه عشر از
مقطعات فصل پنجم در خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات متفرقه از آیات فصل ششم
در خواص فقرات خمس عشر از مقطعات متصل بآیات فصل هفتم در خواص حروف
الم بقره و الم آل عمران فصل هشتم در خواص حروف المص فصل نهم در خواص الر
و الرا و الرا و المرا فصل دهم در خواص حروف کهیعص و خاتم وی فصل یازدهم
در خواص حروف طه فصل دوازدهم در خواص حروف حمعسق و حم مؤمن
و ق فصل اول در ذکر عدد حروف مقطعات و خواص مجموع آن بر سبیل اجمال
صاحب کتاب در النظیم آورده که بعضی عارفان گفته اند که حروف مقطعه
قرانی سی کلمه و هشتاد و هشت حرف است و آن اینست الم الم المص
الر الر الر المر الر کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم
۷۱ ۷۱ ۷۱ ۱۰۹ ۶۹ ۱۰۹ ۱۹۵
الم یس ص حم حم حم عسق حم حم حم ق ن و این عدد وقتی
۷۱ ۹
مسلمست که حمعسق در کلمه اعتبار کنند چنانکه بعضی از علما و این فن کرده اند و اگر آن
مثل کهیعص از قبیل خماسیات گیرند چنانکه بعضی بر آن رفته اند پس عدد کلمات
سیست و نه باشد و چون کسی نظر کند بترتیب این حروف از حیثیت جمیع و ترکیب
بعضی را آحاد یابد مثل ص و ق و ن و بعضی را مثانی مثل طه و طس و یس و بعضی

ثلاثی مثل الم و الر و طسم و بعضی سورهای مثل المص و المر و بعضی خماسی مثل کهیعص و حمعسق و این بر اسلوب و قاعده عرب نازل شده است

چنانکه در کلمات و اسماء ایشان واقعست و زبان بیان از شرح حقایق و اسرار و منافع و آثار حروف مقطعه قرانی عاجز و قاصر است و بذکر شمه از آن اقتصار میرود

و صاحب در النظیم از ابو حامد محمد الغزالی قدس سره نقل کرده که در موصل است که بعضی عارفان در موصل یافتم که با وی حروف مقطعه قرانی همراه بود از وی سؤال کردم که

این چلیت فرموده که برکات این حروف بر من ظاهر شده است و از جمله آنست که همیشه حق سبحانه مرا از آفات و بلیات بواسطه حمل این کلمات محفوظ میدارد و رزق مرا

گشاده میسازد و اگر حاجتی میخواهم باستظهار بعز اجابت میرسد و مرا از دشمنان صیانت میکند و از گزیدن مار و کژدم و ضرر سباع و حشرات نگاه میدارد و

چنین سفر میروم و این کلمات بخود در وقت وداع اهل و اولاد میخوانم خدای مراجعت و غنیمت زود بوطن میرساند پس ابو حامد گوید که مرا از این حروف علمی حاصل شده که

این هیچ شک و ریب در آن راه نیافته و در خواص این تمامی آورده که هر که مجموع حروف اوایل سور قرانی سه بر نگین نقره یا عقیق نقش کند بساعت سعد و بان تختم نماید مقبول و محبوب قلوب گردد و صاحب در النظیم آورده که اگر نقاش روز پنجشنبه و جمعه روزه دارد و در ساعت اول روز جمعه آن حرف سه نقش کند و در آن وقت غسل کرده باشد

حرف

و جامه پاک پوشیده

وجامه پاک پوشیده باشد و بخور لایق سوخته هر آینه تاثیر و قوت وی در آنچه
مذکور شد بیشتر خواهد بود و فایده و نتیجه زیاده روی خواهد نمود و بعضی از
اکابر دین چنین فرموده اند که اگر کسی حروف مقطعه را بدان ترتیب گوید
که اللهم بحق الم ذلک الکتاب و الم الله لا اله الا هو همچنین تا ن
والقلم وما یسطرون بعد از آن هر حاجتی که دارد از دینی و دنیوی بگوید
حق سبحانه بزودی روا کند و اگر این حروف بطریقی که نزد اعداد و بیان مقرر است
تکسیر کند و با خود نگاه دارد همین خاصیت دارد و این عمل در ساعت اول
از روز یکشنبه یا چهارم دوشنبه یا هفتم سه شنبه یا سیم چهارشنبه یا ششم پنجشنبه یا
دوم جمعه باید کرد فصل دوم در فقره کهیعص حمعسق باید که صاحب در النظیم
آورده که شیخ شرف الدین بوده فرموده است که هر که ترسان بود از مهمی و در آن
حال بگوید کهیعص حمعسق لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه
میترسد ایمن گردد و این معنی بکرات و مرات آزموده شده و مجرب
و صحیح است و هم صاحب در النظیم آورده که پنج آیت است که منافع و فواید
آن از حد حصر بیرون است و از آن جمله آنست که هر که آنرا تلاوت کند در
حالیکه در آید بر جباری عنید و حاکمی از طریق صلاح بعید شر وی کفایت
شود ولیکن کیفیت قراءت آن آیات چنان است که عقد اصابع

یمنی کند در تلفظ بحروف کهیعص که در اوایل این آیات وارد است و عقد
اصابع یسری کند در تکلم بحروف حمعسق که در اواخر این آیات وارد است و
پس باید که اول عقد ابهام یمنی کند و بگوید ک کماء انزلناه من السماء
فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح ح و در
گفتن حرف حاء عقد ابهام یسری کند بعد از آن عقد مسبحه یمنی کند
و بگوید ه هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن
الرحیم م و در گفتن حرف میم عقد مسبحه یسری کند و بعد از آن عقد وسطی یمنی
کند و بگوید ی یوم لا ذفر اذ القلوب الذی الحناجر کاظمین ما للظالمین
من حمیم و لا شفیع یطاع ع و در گفتن حرف عین عقد وسطی یسری کند بعد از
آن عقد خنصر یمنی کند و بگوید ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم با
لخنس الجوار الکنس س و گفتن حرف سین عقد خنصر یسری کند و
بعد از آن بنصر یمنی کند و بگوید ص ص والقرآن ذی الذکر بل الذین
کفروا فی عزة و شقاق ق و در گفتن حرف قاف بنصر یسری کند و
بعد از اتمام این عمل یا عقود بر آن پادشاه غیور یا ظالم جابر در آید از آن
جبار ظالم هیچ ضرری بوی نرسد و بسلامت و کرامت بیرون آید فصل ششم
در خواص فقرات اربعه خمسه و ستة از مقطعات ۱۸ فقرات حرز عجه

صاحب در النظیم آورده که در بصره مردی بود که دعای درد دندان میدانست و
بآن مردم را معالجه میکرد و شفا تخلف نمینمود و در تعلیم آن بغایت بخیل بود
چون وفات وی نزدیک رسید کسی را که حاضر بود گفت که دوات و قلم بیار
تا بنویسم از برای تو دعای درد دندان که در این مدت بآن عمل میکردم
و آن را مخفی میداشتم تا این زمان و چون دانستم که میروم روا ندیدم که
آن دعا پنهان بماند و مردم بآن منتفع نشوند پس بنوشت که چون کسی را
درد دندان عارض شود باید که این حروف را بخواند که المص طسم کهیعص
حمعسق الله لا اله الا هو رب العرش العظیم اسکن بکهیعص ذکر رحمت
ربک عبده زکریا اسکن بالذی ان یشاء یسکن الریح فیظللن
رواکد علی ظهره اسکن بالذی سکن له ما فی السموات وما
فی الارض وهو السمیع العلیم ۱۰ فقرات خمسه صاحب در النظیم از
ابوحامد محمد الغزالی قدس سرهما نقل کرده که وی فرموده است که چون غزوات
صحابه رضی الله عنهم برسم تجارت بیرون میرفتند از در دروازه دشمنی
رند قطاع طریق یا صیاع ضاره پیش مرآمد میگفتند اللهم احفظ امت
محمد صلی الله علیه وآله وسلم بالنقیر والتایید بالمص وبکهیعص وبحمعسق
وبیوم القران المجید وبن والقلم وما یسطرون فر آن دشمن

باشیان نمی‌رسد امّا فقرات ستة هم از ابوحامد روایت کرده است که بعضی از عارفان

کنیزکی بود که علت صرع داشت روزی آن عارف نزد کنیزک حمد آمده و در گوش وی

فرو خواند که بسم الله الرحمن الرحیم المص طسم کهیعص یس والقرآن الحکیم حمعسق

ن والقلم وما یسطرون دیگر از آن صرع اثری هرگز پیدا نشد و آن

کنیزک بتمامی از آن مرض خلاص یافت فصل چهارم در خواص فقرات ستة عشر و اربعه

عشر از مقطعات در خواص ابن تمیمی آورده که هرکه الم را از البقرة تا هم المفلحون

والم الله لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص طه طسم یس ص

حمعسق حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم ق ن این مجموع سوا

سورهٔ فاتحه بر ورق آهو بره نویسد بمشک و زعفران و گلاب در شب جمعه چهار

دهم یا پانزدهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و آن نوشته شود در غلاف نهد از

نی فارسی که یک طرف وی بند باشد و سر دیگر وی را بموم کافوری بند کند پس هرگاه

که آن نی را بر بازوی راست بندد با طهارت کامل و لباس نظیف عزت

مهابت و قبول وی در دلها و نظرها بسیار شود و باطن وی قوت گیرد و دل

وی ثابت و مطمئن و دلیر شود و هیبت عظیم از وی در دلها سرایت کند و اگر

فقیر بود غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر آن نی را بر طفلی بندد دیگر از حیرت

در خواب و بیداری نترسد و بسیار مگوید آن ترس و گفتن از وی زایل

گردد

شود باذن الله تعالی اما فقرات رابع عشر صاحب در النظیم از شیخ شرف الدین
بونی رحمه الله تعالی نقل کرده که هر که بمشک و زعفران و گلاب کتابت کند این حروف
مقطوعه در روز شنبهی که معروف است لیست السَّبت آن شنبهی بود که یکی از
ایام البیض افتد که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه هست بر ظرف چینی
یا زجاجی پس محو کند و بیاشامد و قدری از آن در چشم کشد در آن سال از رمد
ایمن بود برکت نورانیت این حروف که مسمی است بحروف نورانی و آن
اینست الم کهیعص المص المر الر کهیعص طه طسم طس یس ص
حم عسق ق ن فصل پنجم در خواص فقرات خمس عشر از مقطعات
معنا از آیات صاحب در النظیم آورده که هر که حروف الم الم المص
المر کهیعص طه طسم طس طسم یس ص حم حم عسق ق ن را
بر خاتمی نقره نقش کند در پنجشنبه اول از ماه رجب و آنرا در انگشت کند و
اگر خایف بود از جباری و ظالمی ایمن شود و حامل این خاتم اگر بر سلطانی در آید
بنظر وی بزرگ نماید و مهابت وی در دل سلطان اثر کند و هر مرادی که از وی خواهد
بتوقف بر آرد و اگر این خاتم بر کسی فرود آرد که خشمناک بود بشتاب آرام گیرد
و راضی و خوشنود شود و اگر تشنه این خاتم را در دهان گیرد و بمکد سیراب گردد و آفت
عطش از وی زایل شود و اگر این خاتم را یک شب نه روز در آب باران نهد بعد از

آن هر نا شنا آنرا بیاشامد قوت حافظهٔ وی بیفزاید و اگر مغز دلی بر تخم آن
بداومت نماید برای وی عمل و شغل پیدا شود و صاحب تصرف گردد و اگر زن ذبی
شوهر حامل آن شود زود بشوهر رسد و اگر آنرا بر مصروع بندند افاقت یابد
فصل ششم در خواص فواتح خمس عشر از مقطعات محلی بآیات صاحب
در النظم از شیخ شرف الدین بونی رحمهما الله تعالی نقل کرده است که هر که کتابت
کند بر ورق آهو بره در شب جمعهٔ چهاردهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن
بمشک و گلاب و زعفران الٓمٓ البقره سو تا هم المفلحون و الٓمٓ آل عمران سو
تا الفرقان والمٓصٓ سو تا المؤمنین والمٓرٰ را تا لا یؤمنون و کٓهیٰعٓصٓ
تا زکریا و طٰسٓمٓ را تا تشقی و طسٓمٓ تا المبین و طسٓ را تا المبین و
تا المبین و یٰسٓ سو تا الحکیم و صٓ سو تا شقاق و حمٓ مؤمن سو تا المصیر
و حمٓعسٓقٓ را تا الحکیم و قٓ را تا المجید و نٓ را تا عظیم پس آن نوشته
در میان ابنوسی نهاد از زنی فارسی و آنرا در میان موم کند که از شمع
سرای عروسی فرا گرفته باشد و قطعهٔ از اودیم بر گردوی بپیچد و بر بازوی
راست بندد و باطن وی قوی گردد و مهابت و عظمت وی بر قلوب
اعدا مستولی گردد و قبول تمام وی را در قلوب جمیع مردمان پیدا گردد و
اگر فقر و فاقه وی را دریافته باشد غنی و توانگر شود و اگر جائی ترسی و خوفی داشته

باشد ایمن

باشد ایمن و مطمئن گردد و اگر مسحور یا مسجور یا مجنون باشد آن سحر که در حق وی کرده باشند باطل شود و از بند و زندان بیرون رود و ماده جنون تمامی از دماغ وی زایل کند و اگر دوام دارد بحقیقت نه قضاء دین ادا کند و گردن وی را از بار قرض سبک سازد و اگر مهموم و مغموم بود خداتعالی فرجی و فرحی روزی گرداند و اگر مسافر بود زود بوطن باز آید و اگر زن بدشوهر آنرا با خود نگاهدارد و دایم بر طهارت بدن و نظافت لباس بود حقیقت و ویرا شوهری شایسته کرامت فرماید و آن شوهر سوی او راغب و مایل گشته اند و اگر از آسیا خانه در او بیرد یا رود آنه بسیار جمع شود چنانکه دیر نوبت رسد و اگر از دکان در او بیرد خریداران متاع صاحب آن دکان بسیار شوند و از دحام کنند و اگر بر حمی و تب بندند مردم بسیار با او رغبت نمایند و اگر بر طفلی بندند از جمیع بلیات و آفات ایمن شود و از شر جن و انس مصون باشد و علی الجمله حامل وی هر دعا که کند باجابت مقرون گردد فصل هفتم در خواص حروف الم البقره و الم آل عمران اما الم البقره صاحب در النظیم آورده که حروف الم تا هم المفلحون در روز پنجشنبه اول نهار بر اناء چینی یک نوبت یا ظرف زجاجی طاهر بمشک و زعفران و گلاب کتابت کنند پس نوشته را بآب چاه شیرین محو سازد و بر نهار بیاشامد و آن روز طعام نخورد و باز در شب

از آن آب بشربتی دیگر بیاشامد و روز آنید روزه دارد و همچنین سه شبانه روز بشربتی از آن آب اکتفا نماید و روزه دارد و اگر قوت مزاج وفا کند بیحرف و روزه دارد دیگر جز بآبی شربت افطار نکنند و از طعام امساک نماید حقیقی بهر قوت حافظه وی را بیفزاید و نفس ناطقه وی را قوت دهد و علم را در دل وی ثابت گرداند و نور معرفت سود در باطن وی ظاهر کند اما الم آل عمران در خواص ابن تمیمی در النظیم نافعی آورده اند که حروف الم را تا الفرقان در ساعت دوم از روز یکشنبه بقلم باریک بر ورق آهو نویسد و در زیر نگین انگشتری نهد و بر طهارت کامل و نظافت لباس در انگشت کند نزد پادشاه یا حاکم آن دیار رود و قول وی در دل آن پادشاه و حاکم اثر تمام کند و هرچه گوید مقبول افتد و هر حکم که کند نافذ افتد و چون بر تحکم آن مداومت نماید جاه و حشمت وی بیفزاید و اعدا مغلوب و مقهور شوند و هم در خواص ابن تمیمی آورده که هر که این حروف را تا اینکه گردن بر صفحه نقره نقش کند و آنرا در زیر نگین انگشتری نهد تا مادام که در انگشت وی بود هرچه بر دست و زبان وی رود همه صدق و صواب و خیر و صلاح بود و در دلها بوی اقبال کنند و مردمان امر و نهی وی را امتثال نمایند و در کتاب در النظیم آورده که هر که این حروف سوره الفرقان کتابت کند

بر کاغذ سفید

بر کاغذ سفید پاک بمشک و زعفران و گلاب و آنرا در انبوعی نهد ز زنی فارسی یا هندی
که پیش از طلوع آفتاب قطع کرده باشد و سر آنرا بموم ببندد و در زیر کهدان طفل بیاویزد از
شر شیطان و تصرف جنیان و مرض ام الصبیان محفوظ و امین باشد و در خون
و بینه اری نیز رسد فصل هشتم در خواص حروف المص که اول سوره اعراف است صاحب
در النظیم آورده که هر که در عیشه منصبی بمشغل قضا و غیر آن دخواهد که اقوال
و افعال وی مقرون بصلاح و سداد کشد و زبان وی بر صدق و صواب جاری
کشد و مصالح امور مسلمین بر دست وی باتمام رسد و اخلاق وی مهذب
کشد باید که حروف المص را تا با تاکرهن بر صفحه نقره خالص نقش کند و
آنرا در زیر نگین خاتم نهد و بر طهارت بدن و نظافت لباس دایم بآن تختم کند
مقصود حاصل کشد و حکیم فاضل ابن وحشیه در کتاب هیاکل و تماثیل آورده
که هر که حروف المص را وضع کند بقلم طبیعی و قلم عربی در مربع عیار ادر چهار در
بر صفحه ذهب که وزن آن چهار درهم باشد و اگر ذهب میسر نشود نحاس احمر
اختیار کند و اگر ذهب و نحاس بهم آمیخته بود اولی باشد و در وقت کتابت
باید که طالع بر برج حمل باشد و آفتاب در وی بر درجه شرف بود ناظر
بمریخ بنظر تسدیس یا تثلیث و سالم از نحوس و باید که در وقت عمل بزعفران و سندروس
و مقل ارزق بخور کند پس معمول بود در خرقه پاک پیچد که از حریر زرد باشد و با خود نگاه

دارد عزت و شرف و جاه و ولایت یابد زیاده از آنکه توقع دارد و جمیع اشراف
و اعیان و حکام و سلاطین مسخر وی شوند و هر کس که چشم بر وی افتد هیبت و
مهابت و عظمت وی در دل آنکس اثر تمام کند و هر چه حکم فرماید فرمان بردار
و منقاد وی باشد و هر جباری که بنظر وی آید ذلیل شود و هر دشواری که بر وی آید آسان گردد
بحول الله و صورت آن دو لوح که بقلم [illegible] و عرضی رقم باید زد دانسته باشید که

صورت لوح عرضی

ا	ل	م	ص
م	ص	ا	ل
ص	م	ل	ا
ل	ا	ص	م

صورت لوح طبیعی

ا	ل	م	ص
لب	مس	صص	له
مصب	صه	اخ	لو
صك	اه	لس	مل

نحو دیگر همین است والله اعلم

ا	ل	م	ص
لب	مس	صص	اسه
مصب	صه	اخ	لو
صك	اه	لس	مل

برادر دیگر صورت لوح طبیعی است

ا	ل	م	ص
لب	مس	صد	اه
م	صك	الخ	لو
ص	ا	ل	م

فصل نهم در خواص الٓمٓرٓ که اول سوره یونس است و الٓمٓصٓ که اول سوره هود است
و المر که اول سوره رعد است اما المر که اول سوره یونس است صاحب در النظیم
آورده که هر که خواهد که امری سهل بود و قول وی نافذ و خلق مطیع و منقاد
وی شوند باید که ایام بیض از ماه شعبان روزه بدارد و بنمک و نان جو دو گرده
افطار کند و چون شام روز سیم روزه بگذارد بعد از نماز شام مستقبل قبله
بنشیند و بذکر و صلوات بر نبی و آل مشغول نماید تا فرض و سنت نماز خفتن
بگذارد

به روش دیگر صورت لوح عرضی است

ا	ل	م	ص
م	ص	ا	ل
ص	م	ل	ا
ل	ا	ص	م

بگذارد و بعد از آن دو رکعت نماز تسبیح که مشهور است ادا کنند و چون از نماز تسبیح فارغ شود این حروف که با سر است که بعد از آنست الی قوله تعالی افلا تذکرون بر کاغذ پاک بنویسد به آب آسمان و زعفران و در بعضی نسخها بر آب آس و گلاب گفته است و چنین بنویسد و در زیر بالین خود نهند و خواب کنند و چون صباح شود بعد از ادای فریضه بامداد آن مکتوب را بر بازو بندد و بیرون آید قدر وی در میان خلق بیفزاید و جاه وی رفیع شود و زبان وی بر صدق و صواب و آنچه اصلاح مسلمین در آنست جاری گردد و در نظر خلق مهیب گردد و مقبول و متاع شود اما الموا از سوره هود صاحب در التنظیم آورده که این حروف با چهار آیه که بعد از آنست الی قوله تعالی قدیر بر برگ سبز بنویسد وقت طلوع فجر بمشک و گلاب آنگاه با آب چاه شیرین محو کند بیاشامد چهار روز ناشتا هر روز دوبار صبح و شام بعد از اتمام عمل دل وی مستعد قبول علوم الهی و حکمی شود و حفظ وی در فهم اشیاء دقیقه بغایت قوی گردد و حفظ قران و غیر آن بر وی آسان شود اما الموا از سوره رعد صاحب در التنظیم آورده که هر که این حروف با سه آیه که بعد از آنست الی قوله تعالی تتفکرون چهار برگ زیتون بنویسد و در چهار دیوار منزل دفن کند اگر آن باغ یا منزل را خواهد در چهار رکن باغ یا مزرعه یا دکان و غیر آن دفن کند حق تعالی خیر و برکت و جمعیت

درآنموضع بسیار گرداند و میوه باغ و دانه مزرعه را وافر سازد و از آفات سماوی
و ارضی نگاه دارد فصل دهم در خواص حروف کهیعص و خاتم وی حکیم فاضل
ابن وحشیه در کتاب هیاکل و تماثیل چنین آورده که علمای مصر بر آنند که حروف
کهیعص را وضع کنند در لوح مخمس بقلم طبیعی و عربی و هندی بر هیاتی که در
آخر این فصل مسطور خواهد شد و کسی حامل آن گردد فواید و منافع بسیار دریابد
و باید که در وقت عمل طالع برج ثور باشد و زهره در حوت بود بر درجه
شرف که دهم از طالع است و سالم باشد از رجعت و احتراق و در آنوقت
بخور کند بعنبر و اصبر از اتمام عمل آن لوح بعد در خرقه پاک سفید بپیچد و باید که این لوح
بر خاتم زر یا نقره خالص یا مس زرد رقم زنند و هر که آن خاتم را نگاه دارد چندان
عجایب و غرایب مشاهده کند که زبان از ادای آن عاجز و قاصر بود و در
الفت و محبت فعل وی تاثیری بغایت قوی باشد و در قضاء حوایج
و جلب رزق و قبول قلوب و دخول مسرت در دل حامل و حصول
فرح و سرور و کثرت خیر و برکت در امعه دنیا و آخرت بسیار نافع و مفید
باشد و سزاوار آنست که حامل این خاتم رفیع همیشه پاک و طیب و
طاهر بود و دایم بوضو و نظافت و لباس پاک باشد و در حال جنابت و عدم
طهارت البته الف البته پیرامن این خاتم نگردد و با خود بخلای نبرد که ...
از جمله اسم اعظم

از جملهٔ اسم اعظم الله تعالی است از اسماء مخزونهٔ مکنونهٔ الهی است که از خلق مخفی داشته
اند و از جملهٔ خواص این خاتم مبارک سید آنست که چنین کسی آنرا بوقت خواب در زیر
بالین خود نهد در خواب کسی بیند که هرچه از وی سؤال کند از امور مخفیهٔ
عالم جواب شافی شنود و اگر در زیر سینه نامی بنهد هرچه در بیداری کرده باشد
در خواب اظهار کند و اگر بر کسی حال غایبی مشکل شود و ندانند که مرده است
یا زنده است چون این خاتم را در زیر سر خود نهد و بخواب رود و در آن حین
بر وضو و طهارت کامل بود در خواب کسی بیند و از حال آن غایب خبر
صحیح دهد و هرچه غیر از آن نیز پرسد جواب گوید بوجهی که در خواطر
قرار گیرد و اگر از عاقبت امری پرسد بآنچه واقع خواهد شد خبر درست
دهد و اگر در خزینه و دفینهٔ شک دارد هم در خواب از حقیقت حال آگاه
گردد و برای دفع هر مشکلی که پیش آید از امور دین و دنیا همین این عمل بجای
آرد و خاتم را در زیر سر خود نهد و خواب کند بر طهارت کامله بواسطهٔ خبر
غیبی آن مشکل مرتفع شود و این خاتم را در رستخیز رایج کنند و دفاین و خبایای
اثر عظیم و فعل قوی است زیاده از آنکه به تحریر تقریر و تحریر در آید پس باید که
عامل به تجربهٔ مشغول شود تا حقیقت قول ما بر وی مکشوف گردد و اگر اثری
مترتب نشود از تقصیر عامل بود و در رعایت شرایط و آداب و از جملهٔ شرایط

بروایتی در نسخهٔ دیگر صورت لوح طبیعی
چنین بنظر رسیده است منهت

ط	ق	ه	ح	ع
ه	ح	ع	ط	ق
ع	ط	ق	ه	ح
ق	ه	ح	ع	ط
ح	ع	ط	ق	ه

کتابت و تفردن این لوح بزرگوار آنست که وفق حرفی را بر ظاهر نویسند که فعل و
اثر آن بخاصیت است و کتابت آن موقوف نیست بر اختیار و ساعات و
وفق عددی را بر باطن یعنی ظهر آن نویسند که فعل و اثر آن بطبیعت است
و کتابت آن مقوطست باختیار نظرات علویات و رعایت ساعات
و صورت الواح ثلثه اینست

لوح هندی					لوح عربی					لوح طبیعی				
۹۰	۷۰	۱۰	۵	۲۰	ص	ع	ی	ه	ک	ط	ق	ه	ح	ع
۱۰	۵	۲۰	۹۰	۷۰	ی	ه	ک	ص	ع	ه	ع	ح	ط	ق
۲۰	۹۰	۷۰	۱۰	۵	ک	ص	ع	ی	ه	ع	ط	ق	۹	۸
۷۰	۱۰	۵	۲۰	۹۰	ع	ی	ه	ک	ص	ق	ه	۱	ح	ط
۵	۲۰	۹۰	۷۰	۱۰	ه	ک	ص	ع	ی	ه	ع	ط	ق	ه

چون در نسخهٔ دیگر در صورت لوح طبیعی [illegible] در اوراق [illegible] لوح طبیعی [illegible]

ط	ف	ه	ح	ع
ه	ح	ع	ط	ف
ع	ط	ف	۹	۸
ف	ه	۸	ع	ط
ه	ع	ط	ف	ه

صورت لوح عربی اینست

ص	ع	ی	ه	ک
ک	ه	ی	ص	ع
ع	ک	ص	ی	ه
ع	ی	ه	ک	ص
ه	ک	ص	ع	ی

فصل یازدهم در خواص حروف طهر صاحب در النظیم آورده که هر که نقش کند بر لوح
ذهب وقتی که آفتاب در شرف باشد یا در بیت خود بسعود و توجهی از وجوه نظر
حرف طا و پنج حرف ها و بعد دخول آن بر این صورت ط ط ط ط ط ط ط ط ط
ط ه ه ه ه ه و آن لوح را با خود نگاه دارد و بر جباران و قهاران در آید مغلوب
وی شوند و جن و انس مطیع و فرمان بردار گردند و جمیع اعمال خیر محبوب [illegible]

این لوح

این لوح شود و همهٔ اعمال شر موجب نفرت وی گردد و اگر صاحب صداع این لوح
بر خود بندد و بیزرد وی شفا یابد و اگر اینی لوح سوزعانه در میان آب یا شربتی نهند و
کسی آنرا بیاشامد باطن وی منشرح گردد و از امراض باطنی خلاص شود و در نفس و مال
خود برکت و خیر و جمعیت بسیار مشاهده نماید و لایق آنست که اینی کتابت سعد در روز نهم
کند یا هشتم یا بیست و هفتم و حامل وی از ضرب هوام و نیش حیات و لدغ
عقارب محفوظ و محروس باشد و هر که اینی لوح سعد حامل شود بی طهارت بدن
و نظافت لباس بمرض حمی و دق مبتلا گردد و هر که اینی حروف سعد بر ورق پاک
نویسد و در موضعی که معیشت میکنند جای که پاکیزه باشد بنهد حق تعالی اسباب
معاش وی را باسهل وجهی میسر گرداند و اگر در وقت خواب در زیر سر خود
نهد از خوابهای پریشان و احلام ردیه ایمن باشد و خوابهای نیکو بیند که موجب فرح
و سرور وی گردد و گاه باشد که حضرت رسالت سعد صلی الله علیه وآله وسلم در خواب
بیند و در کتاب درالنظیم و موضع این تمیمی آورده که حروف طهر هر گه با هفت
آیه که عبر از آنست الی قوله تعالی الحسنی بمشک و زعفران و گلاب و کافور
بر آنا و غرغره یا چینی بعود یا ظرف نویسد و نوشته بعد به دهن البان که روغنی
خوش بوست و در دیار عرب مستعملست و بان درختی است معروف در
بادیه محسوس لند و اگر آن روغن میسر نشود روغن گل یا بنفشه و هر روغن

خوشبوئی که باشد بکار برد پس از آن روغنی معمول شده غالیه سازد و قدری عنبر و کافور اضافهٔ آن کند و در وقت احتیاج بپاشاند و میان دو ابروی خود بآن چوب کند و بپرد آید قبول قلوب و عزت و جاه و کرامت عظیم یابد و هر که نظر بروی افتد و بر او تحمیش گیرد و مطیع و منقاد وی گردد باذن الله تعالی فصل دوازدهم در خواص حروف حجمعش و ختم مؤمن و آن را اهل حجمعش صاحب در التنظیم از ابو حامد محمد الغزالی قدس سره نقل کرده است که بعضی از عارفان گفته اند که چنین حق سبحانه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث گردانید و حجمعش را بر اسرار وی ودیعت نهاده که در ضمن آن سری عظیم از اسرار مکنونهٔ الهی مندرج است پس آن را در خود ساختم که در هر شدتی و کلفتی و خوف و رعبی توسل بآن جستم و مهام من کفایت شد و از آنچه میترسیدم ایمن و مطمئن گشتم و ابواب رزق و برکت بر من مفتوح شد اما ختم مؤمن صاحب کتاب در التنظیم آورده که هر که حروف ختم مؤمن با دو آیت که بعد از وست الی قوله تعالی المصیر کتابت کند و با خود نگاه دارد و هر جراحتی و قرحه که بر بدن داشته باشد التیام یابد و تمام زایل شود اما قسم ششم از خواص وی در فصل چهارم از باب سیم این مقاله ایراد یافته و صاحب در التنظیم آورده که هر که خواهد که اشجار و اثمار و مزارع و باغات وی معمور و بیدار سالم باشد و برکت در خانه مترتب شود باید که بگیرد اول با سی ان که در فصل رابع

سحق

شود و در ظرفی نو روغنی داده یا آناءی از جاجی یا چینی که هنوز مستعمل نشده باشد کنند ضبط
حروف ق ف یا یازده آیت که از عقب اوست الی قوله تعالی الخروج بر هفت رقعه
بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و باید که بر هر رقعه مجموع آیات را نوشته
پس بآن آب همه رقعها را بشوید در وقت طلوع فجر و باید که در حین کتابت
هفت بار آن آیات را تلاوت کرده باشد پس آن معمول را در دل شب
در بیخ درختان ریزد و یا در میان مزرعه بپراکند رش کنند آن درختان را شود
ثمار زیاده گردد و اگر میوه دار بود میوه بسیار بار آورد و از خطرهاء ژاله و جو
آب و غیر آن ایمنی ماند و بدرجه پختگی رسد و خیر و برکت در آن زرع ببفزاید و از
آفات سماوی و ارضی محفوظ باشد و دانها پر مغز و بالیده آید و بکمال خود رسد
اما در فصل هم از باب سیم بعضی خواص آن ایراد یافته بر همان اقتصار رفته
و بالله التوفیق باب پنجم در خواص بعضی فقرات حروف که باسماء و القاب موسومند
و معروف مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در صفات و خواص حروف نورانی
و ظلمانی فصل دوم در خواص حروف علویه و سفلیه فصل سیم در خواص حروف نوطق
و صوامت فصل چهارم در خواص حروف مفاصلات و مواصلات فصل پنجم
در خواص حروف لا ارکان فصل ششم در خواص حروف سبعه ممتزجه فصل هفتم در خواص
حروف متواضعیه فصل ۸ هشتم در خواص حروف الجان فصل ۹ نهم در خواص حروف اصول خمسه

فصل دهم در خواص اشکال سبعه و اشکال عظیم الله تعالی فصل یازدهم در خواص حروف عجیبه فصل دوازدهم در خواص حروف هندیه فصل اول در صفات و خواص حروف نورانی و ظلمانیه بدانکه حروف باعتبار وقوع ایشان در اوایل سور قرآنی و عدم وقوع منقسم بدو قسم است اول نورانی و دوم ظلمانی اما حروف نورانی که آنرا عالیات نیز گویند عبارت از حروف مقطعه قرآنی است که در اوایل سور واقع شده است و وجه تسمیه ایشان بنورانی آنست که هیچ اسم از اسماء حسنی حقیقی بی استزاج ایشان نیست مگر یک اسم شریف الودود و حروف نورانی بعد از حذف مکررات چهارده است الم ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن و این ترکیب شریف شامل الحروف است که علی صراط حق نمسکه و صاحب در النظیم آورده که همچنانکه بیست هشت منازل قمر است چهارده منزل ظاهر میباشد و چهارده باطن و همچنین از حروف بیست و هشتگانه نیز چهارده باطن است که عبارت از حروف مقطعه قرآنی است و چهارده ظاهر که باقی حروف است و شیخ ابو العباس بونی رحمة الله تعالی در کتاب اللوامع الذهب نورانی ذکر کرده نقل کرده که جماعتی از احبار یهود مثل حی ابن اخطب و ابو یاسر و ابو طلوره و کعب ابن اسید و غیر ایشان نزد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند که بما رسیده است یا محمد که بر تو الم نازل شده است فرمود که بلی ایشان حساب آن

آن حروف کردند و گفتند که از عدد اینحروف چنانکه معلوم می‌شود که مدت ملک تو هفتاد و یکسال خواهد بود آنحضرت حساب است بیع رد نکرد و انکار نفرمود ملک غیر از اینحروف دیگر نیز بر من فرود آمده است گفتند آن کدام است فرمود که المص والمر او کهیعص و بر ایشان شمرد آنچه از حروف مقطعه نازل شده بود ایشان برخواستند و گفتند مشکل شد بر ما امر تو یا محمد صلعم و علما و این فن از اینحروف دقایق و حقایق و خواص و آثار بسیار دریافته‌اند و از اسمای که مرکب از اینحروف و اعداد ایشان است فواید و منافع بیشمار معلوم کرده اما آنچه از اینحروف مرکب است مثل اسم الله والرحمن والرحیم والحق العلی والکریم است و آنچه از اعداد ماخوذ است مثل اسم الصادق والملک والمانع والجواد و الوهاب است مثل کهیعص بحساب جمل صد و نود و پنج است و از وی اسم الصادق ۱۹۵ حاصل میشود و از حم که نود است اسم الملک و از المص که صد و شصت و یک است و اسم المانع و از طسم که چهار رده است دو اسم است الجواد و الوهاب و باقی برین قیاس فذکر اسماء و خواص آن در مقاله ثانیه مذکور خواهد شد و مخفی نماند که حروف نورانی را خواص بسیار است که تفصیل آن در این نسخه نگنجد لاجرم بجملی از آن اقتصار می‌افتد صاحب کتاب اللمعه رحمة الله تعالی آورده که حروف حاره و یابسه مقطعات قرانی از برای لدغ عقارب عظیم نافعت چنانچه آن سه بر جام زجاج باقی قبیح

چینی نقش کند و آب باران شرینی محو ساخته بیاشامند فی الحال درد ساکن شود و پوشیده

نماند که حروف حاره مقطعات قرانی باعتبار جمل متارقه چهار است ا م ه

ط و باعتبار جمل مغاربه بخبث واین چهار با حروف سین و حروف یابسه باش

باعتبار جمل متارقه سه است ک س ق باعتبار جمل مغاربه هم سه ص ک ق

واین حروف حاره و یابسه بعد از حذف مکررات هفت است ا م ه ط س ک

ص ق و آنچه معمول به است هیئت دوم صاحب کتاب اللمعه آورده که حروف بارده

و رطبه مقطعات قرانی از برای نقش حیات بغایت مفید است چون بهمان و تیره

عمل کنند فی الفور دفع برطرف شود و حروف بارده مقطعات قرانی باعتبار جمل متارقه

سه است ص ی ت و باعتبار جمل مغاربه دو ی ت و حروف رطبه نیز باعتبار جمل

متارقه چهار است ل ع ح و باعتبار جمل مغاربه همان حروف چهارگانه است و ابجد ف

بارده و رطبه بعد از اسقاط مکررات هفت است ص ی ن ل ع ح و معمول به

است و صاحب در النظیم از شیخ شرف الدین بونی رحمهما الله تعالی نقل کرده که هر که چهارده

حرف نورانی را بر خاتم فضه نقش کند بطالع ثور وقتی که قمر در دی بود و آن تختم کند

جمیع مرادات وی بخیر و خوبی ساخته و پرداخته شود و هرگز کیسه وی از زر خالی نبود

و هم صاحب در النظیم از ابوحامد محمد الغزالی قدس سره همان نقل فرموده که بعضی اهل معرفت

از علماء راسخین روایت کرده اند که جمعی از اغنیاء صحابه رضی الله عنهم حروف چهارده

گانه نورانی

کاتبه نورانی را کتابت کرده در میان رخت و بار خود نگاه میداشتند بجهت حفظ مال
و متاع خود و ابو حامد محمد الغزالی گوید رحمه الله که بعضی از عارفان که در صحبتش نشستند
حروف چهارده گانه اوایل سور را بر زبان میراندند از ایشان پرسیدند که این حکمت چیست
گفتند کتابت نکنند این حروف سور در موضعی یا تلاوت نکنند او را در بر و بحر مگر
آنکه تعالی او را از آن مکان که این کتابت در وی باشد در پناه حفظ نگاه دارد و او سوء
دور کند هر بدی را که متوجه نفس و مال وی گردد و ایمن بود از غرق و حرق و
سرق اما حروف ظلمانی و آن عبارت از چهارده حرف دیگر است که غیر حروف
مقطعه است یعنی ا ب ت ث ج خ د ذ ز ش ض ظ غ ف و و آنرا حروف
ظلمانی بجهت آن گویند که اصلا از این حروف اسمی از اسماء حسنی مرکب نشده است
بی امتزاج حروف نورانی غیر یک اسم الودود چنانچه گذشت و خواص این حروف
نیز بسیار است که بعضی از آن با بعضی از خواص حروف نورانی در باب دوم
انتقال ایراد یافته و بخط مبارک حضرت شیخ بزرگوار سعد الملة و الدین محمد
الحموی قدس الله روحه نقره دو سه دیده شده که در خواص دو حروف نورانی
و دو حروف ظلمانی این عبارت سوق نموده اند که اعلم ان سر الله فی الکتاب العزیز
یکون فی حروف ع غ س ش من کتب علی ظفر امنا من الامین و قابل فیه
خصمه امن من بأسه والسلام علی سید الابرار فصل دوم در بیان حروف علیه

و دویم بدانکه حروف باعتبار همزه و غیر از ایشان منقسم بدو قسم اند اول علی
دوم دنی و مراد بعلی الحروف است که قوم ایشان یا الف باشد و منتهای ایشان
همزه باشد و آن یازده حرف است با تا ثا حا خا را طا ظا فا ها
یا و مجموع آن حروف در این الفاظ مندرج است که خطیر ثبت حفظر و باقی
حروف که آخر ایشان غیر همزه است ایشان را دنی خوانند و آن هفده حرف است
الف جیم دال ذال زای سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف
لام میم نون واو و پوشیده نباشد که حرف زای از قسم دنی است نه از
قسم علی زیرا که آخر او حرف یا است نه همزه و انکه بجای حرف یا همزه نویسند از
جمله مغلطات عوام است و بعضی دیگر از علماء این فن علیه و دنیه را بر دو وجهی
دیگر قسمت کرده اند و هر یک از علی و دنی را دو صفت ساخته اند اعلی
و علی و ادنی و دنی و نزد ایشان حرف اعلی هفت است ا ص ع ک ل ن
ه که لفظ صانعک له از آن مرکب است و حروف علی نیز هفت است ح د
س ط ق م ی که لفظ طریق سقیم از آن مرکب است و از مجموع این حروف چهارده
کانه الفاظ نقش حکیم له سر قاطع ترکیب می یابد و فایده این مرکبات
آنست که زودتر بخاطر حفظ در می آید اما حروف دنی و آن نیز هفت است
ب ت ج ذ ض و که لفظ ذو ضبد حبت از آن مرکب است اما حروف

ادنی

ادنی نیز هفت بهت ث خ ذ ش ظ غ ف که لفظ ثخذ شظغ ف زران مرکبت

وکار ما این دو لفظ از بیرا ئیه معنی عاریت آغا کجهت سهولت حفظ این ترکیب

یافته پس هرگاه که عامل اراده اعمال محبت والفت ورفعت وجاه وسعت کند

باید که توسل بحروف اعلی وعلی کند وهرگاه داعیه اعمال بغض وعداوت وذلت

وشقاوت نماید باید که متوسل بحروف دنی وادنی کند وهرگاه که حرف

علی را با حروف اعلی امتزاج دهد فعل آن در اعمال لطیفه اقوی واکمل بود وهرگاه

که حروف دنی را با حروف ادنی بیامیزد اثر آن در اعمال قهریه اشمل وادخل

باشد وهرگاه که حرف اعلی عر با ادنی وعلی را با دنی مزاج کند از انصورت مباینات

اعتدالی پیدا شود که در امور متوسطه کار توان فرمود پس عامل طریق کتابت و

کلام در هر عمل از اعمال متضاد باید که این اقسام اربعه را ملاحظه کرده کتابت

وقراءت اسماء حسنی وآیات کبری بر وجهی کند که آن حروف سه که مطلوب است

در آن باشد تا از علم آل محمد صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین طیبین الطاهرین

بخط وافر محفوظ گردد وبالله التوفیق فصل سیم در عوارض حروف بنواطق

وصوامت بدانکه حروف باعتبار وجود نقاط وعدم آن منقسم بدو قسم شود

قسم اول انواطق بهت یعنی حروف منقوطه که آنرا حروف معجمه گویند قسم

دوم صوامت یعنی حروف غیر منقوطه که آنرا حروف مهمله خوانند اما حروف

نواطق و آن پانزده حرف است ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق
ن ی پوشیده نماند که هر حرفی که حجاب او زیاده است و اقرب است بمراتب
تنزلات نقطه او زیاده است پس هر حرفی که حجاب او از حیثیت ظهور
و عیانست مخصوص است بفوقیت اعجام و هر حرفی که حجاب او از حیثیت
تنزل و خفاست مخصوص است بتحتیت اعجام و از اینجهت است که در
حروف علیه بمذهب دوم از علماء این فن حروف معجم نمیباشد الا قاف
و نون چنانچه در فصل سابق از حروف علیه معلوم می شود و در حروف دنیه
بمذهب ثانی حروف مهمل نمیباشد الا دال و واو و از غایت علو شان
این دو حرف است و امتیاز ایشان از اخوان خود که منخرط شده اند در سلک
اسماء حسنی بر آنوجه که مرکب شده است از ایشان اسم بزرگوار ودود و در
از حروف معجمه هیچ اسمی از اسماء حقیقی مرکب نشده است الا غنی و صاحب
دره مکنونه آورده که از اینحروف پانزده گانه نواطق پنج اسم است بتث
جخذ زشض ظغف. قنی و هر که این اسما را روز یکشنبه وقت طلوع
آفتاب بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و در زیر سر نام نهد و این
کلمات سه بالحاح بگوید یا مکلّم یا مکلّم یا مجمّل یا مجمّل یا مستحیین
یا مستحیین یا الد یا الایه یا جایه و مایه و هایه بتکلم آن نام

در خواب

در خواب سخن گفتن آغاز کند و ما فی الضمیر خود را بتمام اظهار نماید و در آن حال بخبر بود
که چه میگوید اما حروف صورت وآن سیزده است و اگر لام الف را حرفی علیحده
گیرند چنانکه مذهب بعضی از علما و این فن است چهارده باشد اح د ر س ص
ط ع ک ل م و ه لا و صاحب درّه مکنونه فرموده است که از این حروف
چهارده گانه چهار اسم مرکب است احد رسص طعکل موهلا و هر که
این اسما کتابت کند بیست و نهم ماه یا وقت خسوف یا کسوف بر صفحه
سرب سیاه و آنرا در زیر نگین انگشتری یا نگینی دیگر وضع کند و با خود نگاه دارد آن
عقد اللسان باشد که همه غمازان و حاسدان و مفسدان و بدگویان از غیبت
و بهتان و نمیمه نسبت بحامل آن زبان کوتاه کنند و با مجلسی که قوت آن نباشد
که در حضور و غیبت نکوهش وی کنند و تهمتی یا امانتی رسانند و تا آن خاتم
با وی بود حال برین منوال باشد فصل چهارم در خصوص حروف مفاصلات
حضرت شیخ اعظم محی الحق والدین ابن العربی قدس سره در کتاب المدخل آورده
که باعتبار انفصال و اتصال ایشان با قبل و ما بعد منقسم میشوند بدو قسم
اول مفاصلات که آنرا حروف خواتم نیز گویند و دوم مواصلات اما حروف
مفاصلات و آن شش است د ذ ر ز و و نزد بعضی از علما و این فن که لا را
علیحده حرف داشته اند آن نیز از قبیل مفاصلات است و لبیست و دو حرف

باقی از قسم مواصلات که متصف اند باتصاف قبلی و بعدی یعنی اگر در اول کلمه فقط متصل می شوند بما بعد خود و اگر در آخر افتند متصل می شود ما قبل با ایشان پس هر امری که انفصال در آن مطلوبست باید که عامل توسل بحروف مفاصلات جوید و اگر اتصال مقصود است متوسل بحروف مواصلات شود و در اعمال مواصلت البته از حروف مفاصلات اجتناب جوید و در اعمال مفارقت از حروف مواصلات احتراز کنند تا در عمل قصوری و خللی واقع نشود و صاحب در مکنونه آورده که هر که حروف خواتیم سه در چهاردهم ماه بر دیوار خانه رقم زند یا بر کاغذی نویسد و در خانه محفوظ کند آن خانه از حرق و حرق ایمن ماند و اگر بر چوب کشتی نقش کند اهل کشتی از غرق شدن سالم مانند و اگر آن حروف سه شرایط کتابت کند و در میان رخت و بار تجارت نهند از جراحت قطاع طریق سلامت ماند و اگر بر صندوق نویسد یا بر مدفونی و مخزونی رقم زند محفوظ و مضبوط بماند و اگر در میان اقمشه نهند از آسیب خوره ایمن ماند و اگر بر خاتم فضه یا ذهب نقش کند صاحب خاتم از همه اعراض و امراض بسلامت ماند باذن الله تعالی فصل ۵ در خواص حروف الارکان صاحب در مکنونه در کتاب خود شکلی مربع وضع کرده متساوی الارکان و حروف بیست و هشتگانه بر منازل قمر قسمت کرده و در هر رکنی هفت منزل و هفت حرف که منسوب و مخصوص بآن منازل است رقم زده باز دایره دیگر از اسماء حسنی و ارقام هندسی و برای حروف هر رکنی

از این ارکان

از این ارکان اربعه خواص و فواید بیان کرده آن ربع مجرد از ذکر منازل و اسماء و ارقام است که با حروف مقصود مرقوم شده بر این صورت. فرموده

که هر که حروف رکن اول را که ترکیبش این است اعهطحفش بر چوبه

نویسد و بر آتش نهد بنام موضعی آتش در آن موضع افتد و اگر بنام پادشاهی

رکن اول

اعهطحفش
قیصغظکض

نویسد مطیع و فرمان بردار وی شود و هر که حروف رکن دوم را که ترکیبش این است

قیصغظکض نویسد بآب ریحان بر کاغذی بنام غایب و در موضعی تاریک دفن کند و در وقت

کتابت نام غایب و مادرش بر زبان

راند و اگر در ذیل آن حروف نیز نویسد بهتر باشد بزودی از آن غایب خبر صحیح

یابد بوجهی از وجوه بر احوال وی مطلع شود و هر که حروف رکن سیم را که ترکیبش

این است بسلر... در پوست بره نویسد بشیر گوسفند و در موم گرفته بر دام

بندد حیوانات بحری بسیار بآن دام در آیند و اگر در میان آب خانه سازد و

این حروف در آن خانه بگذارد و بر چهار دیوار خانه نیز از درون و بیرون رقم زند

حیوانات بحری بیرا بین آن خانه بسیار رجع شوند و از دیگ کام کنند داکریت بیشتر آن از
آن موضع بیرمانند و متفرق سازند باز جمع شوند و بهیچ حال از گرد آن خانه
دور نروند چنانچه پاسبان ایشانند او توانگر فقت و هرکه حروف رکن چهارم سوم که از یکبیشتر
است جمع نخشد بسیار خورند و بسیار بر زبان رانند جذب رطوبتی کند
که در وقت خواب از دهن سیلان میکند بیرون می آید و بدل قوت دهد
و همه قوای ظاهری و باطنی را تقویت کند فصل ششم در خواص حروف سبعه ممتزجه
بدانکه شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمة الله تعالی در کتاب تعلیقه کبری
از امتزاجات طبیعت حروف سبعه که بوضعی غیر معروف از تهجی مغاربه
تعیین کرده بهفت امتزاج یاد نموده و بر آن سبعه ممتزجه خواص و منافع بیان
فرموده و طبایع حروف غیر معروف هست حروف ناری ا ب ت
ث ج ح خ حروف هوائی د ذ ر ز ط ظ ک حروف مائی ل
م ن ص ض ع غ حروف ترابی ف ق س ش ه و ی و طریق
امتزاجات آنست که حرف اول از حروف هر عنصری بگیرد و یکی رقم
زند و این امتزاج اول بود و حروف دوم از هر عنصری اخذ کند و این امتزاج
دوم بود همچنین تا آخر و بر هر امتزاجی خاصیتی مترتب میشود و آن بیشتر
که بر سبیل ایجاز و اختصار ایراد می یابد اما امتزاج اول اول فنا نعمت

از دیدن حرارت

از دیاد حرارت غریزیه را بر آنوجه که اینجه وفق برجام زجاجی با قدح چینی غمیک
و گلاب و زعفران نقش کند و بیاد العسل محرور خته بیاشامد اما امتزاج دوم
ب ذ م ق برای ازالهٔ بلغم و دفع رطوبات از معده مفید است بر آنوجه
که اینجه وفق برلوحی نقش کند و از پیش سینه بیاویزد چنانکه محاذی فم
معده بود و عاجل النفع باشد اما امتزاج سیم ت د ث س برای
طرد هوام و حشرات است بر آنوجه که اینجه در ابریشم کوزن بنویسد و آتش آنرا بر
نهاده بسوزانند هر کزنده که در آن حوالی و نواحی باشد فرار نماید اما امتزاج
چهارم ث ز ص ش برای محبت و الفت و قبول قلوب است بر آنوجه
که آنجه وفق برصفحهٔ نقره نقش کند بطالع جوزا و قوت عطارد و شرطی که
قمر در سنبله باشد و قوی حال بود و نوشته سوء با خود نگاه دارد تا بمقصود و احصل
نخوا اما امتزاج پنجم ج ط ض ه برای دفع اوجاع و تسکین آلامت بر آنوجه
که آنرا بر ظرفی پاک نقش کند بقلم بولاد و دائم از آن ظرف آب و شربت
آشامد و از آنجا طعام خورد و اگر مریضی بود صحت یابد و اگر صحیح بود مریض
نشود و هیچ دردی و المی بوی نرسد اما امتزاج ششم ح ظ ع و برای جلب
رزق و نیل خیرات و ربح تجارات و برکت در زراعات است بر آنوجه که آنرا
بر صفحهٔ ذهب یا فضهٔ نویسد وقتی که قمر در دلو بود و دلو طالع باشد فواید که

مذکور شد مرتب کرده اما امتزاج هفتم خ ک غ ی برای دفع خوف و خیانت است
و اطفاء غضب سلاطین و حکام ظالم بر آن وجه است که آنرا بر کف دست راست
خود نویسد و اگر بر هر دو کف دست نویسد بهتر بود و در ساعت مشتری
نوشته پس بر پادشاه جبار یا حاکم قهار یا دشمنی قوی در آید چون نظر آن قهار
و جبار بر وی افتد از قهر و غضب تنزل کند بلطف و رحمت بر وی رفتار
نماید و حاجت وی بکند و خوید بر آورده کرده و اکرام و انعام کند فصل هفتم
در خواص حروف متواخیه بدانکه حروف متواخی آن حروفند که در صورت
مشابه و مماثل یکدیگرند همچون اخوان و از این جهت ایشان را متواخیه خوانند
و جز بجود و زیادت نقطه از یکدیگر ممتاز نشوند و آن هشده حرفست ب
ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ و صاحب دره مکنونه
آورده که هر که این حرف سوینک و زعفران و شیر زنان نویسد و زن بر جامه بندد
و همیشه با خود نگاه دارد و خاصه در وقت مباشرت شوهر البته پسر زاید و این حروف
در اعمال محبت و الفت و اخوت بغایت نافعست چون بشرایط و آداب
عمل کما ینبغی قیام نماید فصل هشتم در خواص حروف الی ان صاحب دره مکنونه
آورده که ده حرفست و آنرا حروف جان گویند بجهت آنکه چهار اسم از آن
حروف ترکیب می یابد که آن اسماء بر ناصیه بعضی از جنیان مکتوبست و آن

حروف

حروف بیرون از ب ت ط مکرر است هشت د ذ ص ض ف ق ک ل م

و و این حروف عشره در وقت ترکیب اسماء اربعه سه حرف که دال و کلام

و واو است مکرر می گشت دال سه بار و کلام سه بار و واو یکبار و آن اسماء اینست

ذ ل ذ ل صد ضد قفکل مو بس هر که این حروف و اسماء با خود نگاه

دارد از مضرت جن و ملت صرع و جنون و خوف و رعب و امثال آن

محفوظ گردد و اگر بر طفلی بندند که در خواب میترسد و می هراسد آن ترس

و هراس از وی زایل گردد و اگر در دل کسی قلقی و اضطرابی بود چون این حروف

و اسماء با خود نگاه دارد آن دغدغه و تهتک بر طرف گردد و دل وی اطمینان

تمام یابد فصل نهم در خواص حروف و اصل خمسه صاحب دره مکنونه آورده

که پنج حرف است که اصل حروف عربیه است ا ج م د ن و تمام حروف بیست و

سه گانه از این پنج حرف صورت یافته و تحقیق و تفصیل آن در کتاب دره

مکنونه ایراد یافته و شرح آن مناسب این مقام نیست چه مقصود ما ذکر خواص

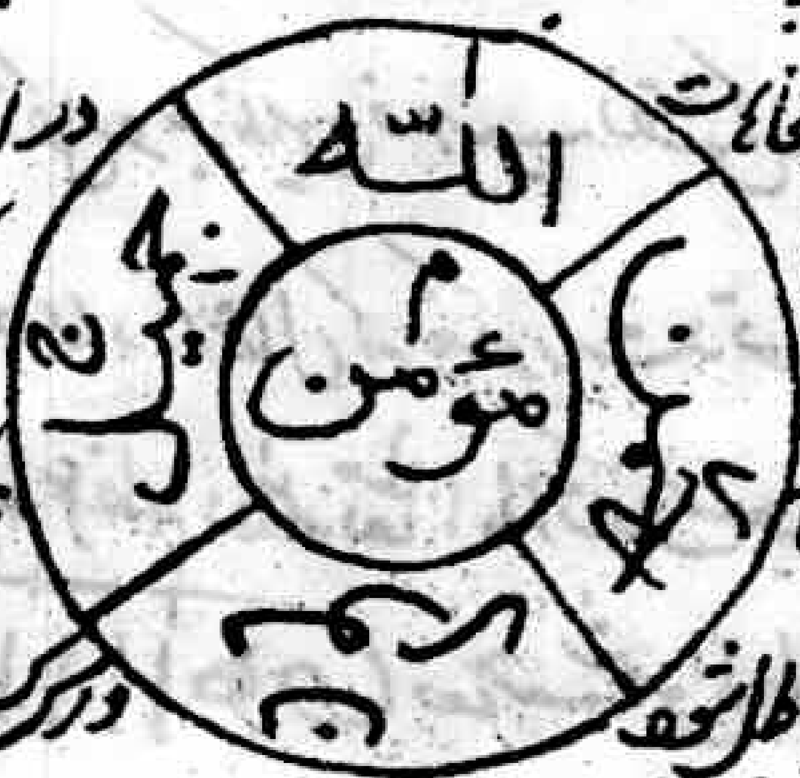
حروفست و اسماء و آیات و سور قرآنی است لاجرم طی آن بساط کرده بر مجرد

بیان خواص این حروف اکتفا مینماید و در آن کتاب آورده که هر یک از این حروف

خمسه اسمی است از اسماء حسنی الهی که چون عامل قصد عمل کند باید که آن اسماء

با آن حروف جمع سازد و فرموده که اگر حروف با اسماء خود در لوح محفوظ بر این صورت

مرقوم است کلاغیرس هر که این صورت برورق بمشک وزعفران بنویسد و باخود دارد
از همه آفات وعاهات در امان باشد و هر که اینی شکل بر خاتم
عقیق نقش کند و دارد در زمانت خود مید ارد و مکر و دغا
دیگر هیچ سحر بر وی کار نکند و اگر دیگر سحر کرده باشند چون
بآن تختم کند سحر باطل شود و اگر کسی این شکل بر نگین فیروزه یا فقله



نقش کند وقتی که آفتاب در شرف بود صاحب اینی خاتم نزد سلاطین و
اشراف عزیز و مکرم باشد و خصوص این شکل بسیار است و از خوف طناب بر بنیقدر
اقتصار افتاد دهم صاحب درة مکنونه شکلی جامع از اینی حرف خمسه و بعضی نیز
مشتمل بر چهارده الف و هفت جیم و سه آ و شش نون و دو میم باسماء
ایشان بهمین اعدا و ایراد نموده بر نصورت و فرموده که هر که اینصورت را
بمشک و شنجرف و زعفران و گلاب نویسد بوقت طلوع
آفتاب روز یکشنبه و با خود نگاه دارد و لطف و
غضب عامل و غضب معمول کند و از جانبین
صلاح و سداد پیدا شود و کدورت و فتنه
از میان برخیزد و هر که اینی شکل را با خود نگاه دارد

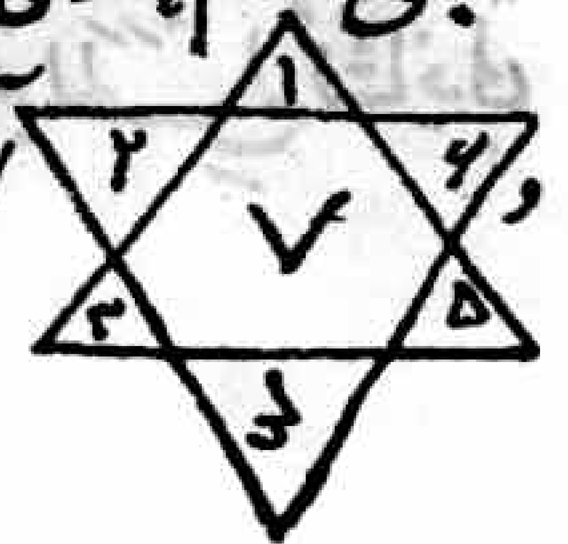


ابواب رزق و روزی بر روی مفتوح گشته و اسباب دنیوی بسیار شده و حامل

ایی

این شکل از آفات و مخافات و حوادث و نوازل تخصیص از مرکب نفاثات
سالم و ایمن بود و اگر کسی این شکل را بر نگین ذهب نقش کند در وقتی که آفتاب
در شرف بود اثر و خاصیت وی در اعمال که مذکور شد قوی تر گردد فصل دهم در
خواص شکل سبعه و شکل اسم اعظم الله تعالی اما اشکال سبعه و آن هفت دهنده
✡ ااام ╪ اااا هو صاحب شمس المعارف آورده که حضرت
مقدس امیر المؤمنین علی علیه الصلوة و السلام در صفات و خواص این شکل سبعه
یازده بیت نظم فرموده اند و آن ابیات بتمامها در شمس المعارف مسطور است و
از آن جمله است این پنج بیت که در صفات شکل سبعه انشاء فرموده اند شعر
ثَلٰثُ عِصیٍّ صُفِّفَتْ بَعْدَ خَاتَمٍ، عَلٰی رَاْسِهَا مِثْلُ السِّنَانِ الْمُقَوَّمِ
آن سه عصا و صف بر کشیده کنایت از سه الف است و آن شکل دوم است و
خاتمی که اینجا الفها بعد از او است اشارت بآن دو مثلث متساوی الاضلاع است
که در هم آمیخته است و آن شکل اول است و آن سنان مقوم عبارت از مدی است
که بر بالای آن سه الف کشیده است شعر وَمِیْمٌ طَمِیْسٌ اَبْتَرٌ ثُمَّ سُلَّمٌ، اِلٰی کُلِّ
مَطْلُوْبٍ وَلَیْسَ بِسُلَّمٍ، میم طمیس آن میمی است که چشم پوشیده است و ابتر
که دنباله ندارد و آن شکل سیم است و آن نردبان که سبب ترقی است بجمیع مطالب که نیز
نردبان است کنایت از دو الف است که سه جا آن را بهم پیوند کرده با لف و آن

∴ شکل چهارم است شعر وَأربعة مثلَ الأصابع صُففَتْ تشیر إلی الخیراتِ مِن غیرِ مِعصمٍ و آن چهار مثل انگشتان صف برکشیده است که اشارت میکند بخیرات بی سر دستی عبارت از چهار الف است که بعد از سطر مرقوم شده و آن شکل پنجم است شعر وَهاءٌ شقیقٌ ثم واوٌ منکسٌ لما جامٍ ولیس بمحجمٍ و هاء شقیق اشارت بحروفهاست که هر حرف چشمهٔ وی شکافته بود نه پوشیده و آن شکل ششم است و واو منکس آن واو است که دنباله وی بازگردیده است بسر او در کشیده همچو شیشه حجام و حال آنکه نه شیشه حجام است و آن شکل هفتم است شعر فیا حامل الاسم الذی لیس مثله توثق به فی کل المکاره تسلم میفرماید که پس ای بردارنده آن اسمی که نیست مثل او یعنی اعظم اسماء است حذر کن و پناه میرو بوی از همه مکروهات تا سلامت مانی و در کتاب جفر جامعه که منسوب است بحضرت امام جعفر و غایب یعنی امام همام ابو عبدالله جعفر الصادق علیه السلام که از امام المغارب و المشارق علی ابن ابی طالب علیه الصلواة والسلام نقل کرده است که آنحضرت فرموده اند که هر که این شکل سبعه در سفر و حضر با خود نگاه دارد و در میان آتش و رطوبت بماند از غرق و حرق و سرق ایمن و سالم ماند و در این کتاب شریف حضرت امام همام علیه السلام بعضی ارقام هندسی در مثلثات و وسط این خاتم که شکل اول است زیاده کرده و اثر او در تجربه و ظهور اثر اتم و اکمل دانسته اند و صورتش اینست که



لونتنه نه

نوشته شده در اول سطر آخر آن صفحه که گذشت و از ذوالنون مصری قدس الله تعالی سره
منقولست که در مجموعه که این شکل سبوع متضمن اسم اعظم الله تعالی است و نهایت سریع
الدرجات والاجابت است چون و بر در دعا شفیع سازند و از ابوالدرداء رضی
الله عنه مرویست که در مجموعه که این شکل سبوع در سه چیز امتحان کردیم از شمشیر نیز
برآن تر یافتم اول آنکه در هیچ کشتی نباشد الا که بسلامت بکنار آید و از شکستن و
غرق شدن ایمن ماند دویم آنکه در هیچ خانه نباشد الا آنکه از سوختن و دزدان
خانه کی ایمن ماند سیم آنکه در میان هیچ متاعی از امتعه تجارت نباشد الا
آنکه از سوختن و آفات سفر و تصرف قطاع طریق بسلامت ماند و اگر این شکل سبوع را
بر بضاعتی نویسند از دزد زیان ایمن باشد و ابن ازرق رحمة الله تعالی گفته است
که چون این شکل سبوع بر بضاعت و متاع تجارت نویسند باید که از عقب آن
این دعا را نیز کتابت کنند و بخوانند تا ضرری و زیانی بود آن بضاعت سبوع
و دعا اینست یا حافظاً لا ینسیٰ یا مَن نِعمته لا تحصیٰ یا مَن لَهُ الاسماء
الحسنیٰ احفظ هذا الشیء من جمیع الآفات بما حفظت به الذکر
فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون برحمتک یا ارحم الراحمین اما رقعه اسم اعظم صاحب
در النظیم آورده که بخط مبارک شیخ عارف کامل محقق ابوالحسن الشاذلی

قدس الله تعالی روحه دیده ام که نوشته است که نزد بعضی از عرفای عجیب
که اسم الله الاعظم و قسم من اقسام الله الکرام اینی اشکال است

الملع ... صحب در التظیم
آورده که بعضی از محققان بر آنند
که اسم اعظم الله تعالی عبارت
از این اشکال است که مرقوم و کشف شد ف دم اااا

و صاحب در التظیم آورده که بعضی دیگر از محققان بر آنند که اسم
اعظم این اشکال است فا س س س بس این اشکال مذکوره و شرایط
و آداب که در باب چهارم از مقاله اول که مشتمل بر آداب طریق کلام است
اسرار دیافته کتابت کنند و همیشه با خود دارد بر جمیع مرادات فائض
گردد فصل یازدهم در خواص حروف عجمیه صاحب دره مکنونه در ذکر کتاب
خود آورده که حروف عجمیه چهار است و آن غیر حروف عربیه است و در لغت
عرب این حروف نباشد و صورت آن بخط جدید اهل عجم اینست
په چه ژ گ و هیات آن بخط قدیم ایشان اینست

بابر

ما سرحه مالمه ما لما و مخفی نماند که خواص این حروف ازمنه قدیم اهل عجم متفرعست پس هرکه این حروف را کتابت کند بر جبهه پس ببندد با نکث بکیره دقتی که بیدار باشد آن انسان در آخر روز محفوظ باشد و از شر جن و انس و هیچ سحر بروی کارگر نکند و هیچ گزنده از ملخ و کژدم و سایر موذیات پیرامن و نزدیک وی نشوند و حامل این حروف در میان خلایق و جمیع مطاع باشد و اگر این حروف را بر جبهه طفلی نویسند در خواب و بیداری نترسد و اگر بر روی سفید یک نارنج نویسند و در زیر نگین نقره نهند و کسی در انگشت کند در میان مردم محبوب و مطاع گردد و خلق از وی بترسند و دلها بر دار وی شوند و ابواب رزق بر وی مفتوح شود و نزد سلاطین و حکام و اشراف اعتبار تمام پیدا کند و مقبول قلوب شود و اگر این حروف را بر ورق نارنج نویسند و در روغن پاک و صاف اندازند هرکه از آن روغن مقداری در جبهه و جبین بمالد هر که بر او نظر افکند محبت وی کند و از هر که حاجت خواهد بر آورده گردد و بر هر قهاری که در آید آتش غضب وی فرو نشیند و در مقام شفقت و رحمت شود و باذن الله تعالی و خواص این حروف بسیار است و در اینجا بدین قدر اختصار یافت و بالله التوفیق

فصل دوازدهم در خواص حروف هندیه هم صاحب دره مکنونه در آخر کتاب

صورت خط جدید و صورت حروف عجمیه بخط جدید این است پیر شرح

چه ک

و صورت خط قدیم و صورت حروف عجمیه چنانچه در نسخه بنظر رسیده است بخط قدیم این است ما سرحه

مالم ما لما

و صورت خط قدیم نسخه بدل

مکمه الحی

منه

خود آورده که اصول حروف هندیه نه است و موافق ارقام هندسی و
آن غیر حروف عربیه و عجمیه است و خط ایشان صورت آخر دف است
[illegible] ۹۹ عشر که و
این صورت عجیب و غریب است و در هند گویند که چون آدم علیه السلام بر
سراندیب نزول فرمود اول بزبان هندی سخن گفت و این حروف را وضع کرد
پس چنین کتابت کنند این حروف را در طاسی نو یا قلعی داده بمشک و زعفران
و گلاب و با آب عذب محو سازند صاحب ناسور و نقرسی و یرقان
و طحال و کبد و ذات القلب و ذات الجنب از آن بیاشامند شفا یابند
و اگر کسی این حروف را بر لوحی از نقره یا فضه کتابت کنند در اول حمل الشرطین که
قمر از عقرب دور باشد و بسعود متصل و حامله آن لوح را بخود نگاه دارد جنین
در شکم وی از سقوط ایمن بود و حامله در وقت وضع حمل بسهولت بار
نهد و حامل آن لوح از شر جن و انس و بلی مصون و محفوظ باشند مقاله دوم
در خواص اسماء حسنی الهی مشتمل بر پنج باب باب اول در خواص اسماء مفرده الهی
مشتمل بر دوازده فصل و در این باب هر فصلی محتوی بر ذکر پنج اسم بزرگ
کوارست پس چنین عدد آل عبا که پنج است در عدد ائمه معصومین علیهم السلام که دوازده
ده ضرب کنند حاصل الضرب آن عدد اسمائیست که در این باب ایراد یافته

و آن

و آن مشتمل است بر دوازده فصل است فصل اول در تحصیل عزت
و جاه و حرمت فصل دوم در تسخیر خلایق و تاثیر در بواطن فصل سیم در کفایت مهمات
و حل مشکلات فصل چهارم در دفع اعدا و قلع خصمای اعدا فصل پنجم در دفع خوف
و مرض و حصول حفظ و برکت فصل ششم در انبساط محبت و مودت و در قلوب
و نفوس فصل هفتم در توسیع رزق و رفع احتیاج بخلق فصل هشتم در دفع امراض و رفع
اعراض فصل نهم در تحصیل اخلاق سنیه و تبدیل اوصاف ردیه فصل دهم در تطهیر
باطن و تیسیر اسباب دنیا و آخرت فصل یازدهم در تحصیل علوم و تکمیل فنون فصل
دوازدهم در اطلاع بر مخفیات علوم و اسرار مشاهده انوار و نیل صواب و دفع
وساوس شیطان و خواطر پریشان فصل اول در تحصیل جاه الجلیل در شرح اسماء
الله قدوة محققین مولانا یعقوب چرخی قدس الله سره مذکور است
که هر که این اسم شریف در یمین با گلاب و زعفران در ساعات سعیده بر قدح
چینی نویسد و بشوید و بیاشامد در میان خلق عزیز و بزرگ شود و اگر این
اسم شریف بعدد مجمل حروف وی که هفتاد و سه است بر قدح چینی نویسد
بر آن وجه که مذکور شد و باب باران بشوید و اگر نباشد با آب عذب طاهر بشوید
و بیاشامد اثر و خاصیت وی در آنکه گذشت اتم و اکمل خواهد بود الواقع هم
در شرح اسماء الله فرموده که هر که در نیم شب یا در نیم روز در حالت بد عابد داشته و صد بار

این اسم را بگوید در میان خلق بزرگ شود و جاه وی بیفزاید اگر بعدد حروف مجمل
وی که سه صد و پنجاه و یکست بخواند نتیجه و منفعت وی در آنچه مذکور شد ابلغ و از حد
خوابها بیرون در سایر اسماء که خوانند بنیت رعایت اعداد حروف مجمل ایشان بلکه
مفصل در حصول اثر و نتیجه دخل تمام دارد العزیز هم در شرح اسماء الله مذکور است
که هر که چهل روز متصل هر روز بعد از نماز بامداد چهل و یکبار این اسم را بگوید
در دنیا و آخرت عزیز و مکرم گردد و هرگز محتاج خلق نگردد المغنی این اسم شریف
نیز همین خاصیت بخشد چنانچه بطریق مذکور بتکرار وی مداومت نماید العلی
هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر که هر روز صد و ده بار این اسم مذکور را بعدد
حروف ملفوظه وی باشرائطش بخواند خواه بنیا و ندا کند که یا علی گوید و خواه
بالف و لام تعریف که العلی گوید درجه بلند یابد و اگر فقیر گوید غنی گردد و اگر
بغربت افتاده به برکت مداومت بتکرار این اسم شریف بسلامت و غنیمت
زود بوطن باز رسد فصل دوم در تسخیر خلایق و تاثیر در بواطن الشهید
حضرت مولانا قدس سره در شرح اسماء الله آورده که هر که در هر وقت صبح
روی بآسمان کند و بیست و یکبار یا شهید بگوید هر چه تا زمانه بیوفا
ببر دارد وی گشت از او لا و خدم سلع و خواص و عوام و تکمیل این عدد بآنست که هر
عدد ملفوظه وی شود هی دلهت وی آن سه صد و نود و هشت مداومت نماید در اول

طلوع دو لیست

طلوع دولت و هشتاد و شش بار بعدد مجمل یا هزار و سیصد و یکصد و پنج بار بعدد مفصل
که این اسم شریف را بگوید ظلمت و تاریکی از دل وی زایل شود در روشنی و صفا
و در باطن وی پیدا شود الفتاح هر کس بعد از ادای فریضه با مداد دست
بر سینه نهد و هفتاد بار یا فتاح بگوید ظلمت از دل وی دور شود و باطن
وی گشاده گردد و اگر مداومت بر عدد مجمل وی کند که چهارصد و هشتاد و ۴۸۹
نه هست یا مفصل که ششصد و دو هست اثر آن اقوی تر بود القدوس هر که
بعد از زوال صد و هفتاد بار بعدد مجمل وی یا سیصد و چهل نه بار بعدد مفصل وی
بخواند دل وی پاک شود و اگر هر روز بر این ذکر مداومت کند صفات تمام حاصل
کند الملک هر که این اسم هر روز دویست و شصت و دو بار بعدد مفصل
وی بخواند دل او روشن شود و ضمیر وی صاف گردد و اگر بعد از هر فریضه
بر این ذکر بعدد مذکور مواظبت نماید نور و صفای وی مضاعف شود و
صاحب در التنظیم آورده که هر که دایم نظر افکند بر این حروف این اسم
شریف بعد از آنکه آنرا کتابت کرده باشد بر این صورت ال م ل ک و
باید که از آن جمله حرف وسط که میم است منظور دارد و در هر
روزی چهل بار نظر بر حرف میم کمارد و در آن حال باید که بر طهارت
کامل بود و هر بار آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب

قراءت کند حقیقت تند بهاب دنیا و آخرت را بر وی آسان گرداند

دوشنبه وجوده فصل یازدهم در تحصیل علوم و تکمیل فهم الحق هر که بعد از نماز فریضه صد و هشت ۱۰۸ بار

بعدد مجمل وی یا صد و نود یا بعدد مفصل وی بخواند حق سبحانه علم فرقانی وی را ارزانی گرداند و در آن

باب فهمی خواهستند که میان حق را از باطل جدا کند و در شرح اسماء الله آورده که هر کرا عزیز گم شود

بر چهار گوشه کاغذ مربع این اسم شریف را بنویسد و در نیم شب بر دیوار گرفته رو بسوی آسمان کند

و ساعتی نقاهد ارد و در آن اثنا صد و نود بار بگوید آن گم شده پیدا شود

بزودی الخالق صاحب تیسیر المطالب آورده که هر که این اسم در مربع

۴ در ۴ بهیئات رقمی وضع کند بر ورق سفید و بر ظهر وی هم این مربع

بصورت حرفی بنویسد چنانچه اضلاع و بیوت بر یکدیگر منطبق باشند

بی تفاوت و ارقام حرفی و عدد وی را وقتی نهد که قمر قوی حال بود و زاید

النور و ناظر سعود و ساقط از نحوس حقیقت هر دو بر وی ظاهر شود و وی را اطلاع دهد

بر علم اکسیر ذاکر در آن فن صاحب وقوف بود مدد عظیم یابد و در اعمال

اکسیری المشرع صاحب در التنظیم آورده که ذالنون مصری قدس سره فرموده

که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است که بوی هر دعا که کنند بعز اجابت

مقرون گردد و صاحب شمس المعارف آورده که این اسم را در سرعت اجابت

دعوات مدخل تام است و هر که این اسم دائم گوید هر چه از امور خفیه و اسرار

دقیقه

دقیقه خواهد حق سبحانه تعالی بروی ظاهر گرداند و هر که خواهد که بجالی بزرگ مشرف
شود که غیر وی آنرا در نیافته باشند این اسم شریف را بر هر دو کف دست
خود بنویسد و یکهفته هر روز ششصد و چهل و چهار بار بخواند اگر السریع گوید
با الف لام تعریف که عدد مفصل اوست یا پانصد و هشتاد و چهار بار خواند
اگر یا سریع گوید بیاء خطاب که عدد مفصل اوست و هر روز بعد از اتمام ذکر
این دعا را بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ السَّرِیْعِ الْمُجِیْبِ الْقَرِیْبِ الَّذِی
جَرَتْ بِسَوَابِغِ رَحْمَتِکَ وَنَحْوَ اتِیمِ اِرَادَتِکَ وَسُرْعَةِ اِجَابَتِکَ یَا سَرِیْعَ
لِمَنْ قَصَدَهُ یَا قَرِیْبَ لِمَنْ سَأَلَهُ یَا مُجِیْبَ لِمَنْ دَعَاهُ اَسْرِعْ لِی بِقَضَاءِ حَاجَتِی
وَبُلُوْغِ اِرَادَتِی یَا سَمِیْعُ یَا مُجِیْبُ اَسْرِعْ یَا قَرِیْبُ آمِیْنَ و چون این
ورد را با شرایط و آدابش بتقدیم رساند حق سبحانه وی را بجالی بزرگ مشرف
سازد و هر که خواهد که مشایخ را رواح کند و با ایشان سخن گوید و از ایشان سخن
شنود بهمین عمل قیام نماید تا دیده یقین وی روشن شود و بان دیده روشن
روحانیان مشاهده کند و با ایشان مکالمه کند و هر سوالی که از ایشان کند
جواب بصواب شنود و هر مددی که از ایشان خواهد بدلخواه بیابد
اَلْقَرِیْبُ صاحب در النظیم آورده که بعضی از اکابر دین قدس الله
ارواحهم گفته اند که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است و خواص

تسخیرات ارواح

وی عظیم است و صاحب شمس المعارف آورده که مداومت برین اسم شریف
بعدد مجمل وی سیصد و دوازده است یا بعدد مفصل وی که سیصد و نود و شش است
موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است بشرطی که رعایت آداب و شرایط
وی کما ینبغی کرده باشد و اگر بعد از هر فریضه بر عدد مفصل وی مواظبت نماید
در حصول مقصود را ملم [illegible] شمس المعارف آورده که هر که هر روز این اسم را هر روز بر دو ظرف
در خلوت معده بخواند در عین ذکر بخورات لایقه بکار برد و سایر شرایط را که در طریق کلامی مقرر شده
رعایت کند ارواح بر وی ظاهر شوند و صف انقیاد کشیده باشند و اثر آن انقیاد درین باب
که کاهی را اگر متکلم بانواع حکم و دقایق و معارف حقایق که غیر وی کسی ادراک آن نکرده
باشد و با آن متکلم نشده مفصل دوازده هم در اطلاع بر مخفیات علوم و اسرار
و مشاهده انوار و یافتن طریق صواب و دفع خواطر بد شأن العلیم نزد
بسیاری از اکابر محققین این اسم شریف امام ائمه اسماء سبعه است صاحب
شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر ذکر امام ائمه اسماء اعنی اسم
شریف العلیم ظاهر شود بر وی مخفیات علوم صناعت الهی که عبارت از علم اکسیر است
و غیر آن از علوم غریبه و فنون عجیبه و هر چه از حق سبحانه طلبد بسهولت
میسر گردد و در شرح اسماء الله حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس
سره مذکور است که هر که این اسم در دل بسیار گوید صاحب معرفت گردد

داکر

و اگر بعد از هر فریضه صد و پنجاه بار که عدد مجمل اوست تکرار نماید مقصود بر
بر وجه اتم ظهور کند انتهی صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسم
بزرگوار از برای اطلاع بر مغیبات و اخراج کنوز و دفاین مناسبت و
کسی که بر ذکر وی مداومت کند و اگر غایبی داشته باشد در خواب یا در
بیداری از حال وی آگاهی یابد و خبر صحیح شنود و صاحب شمس المعارف
آورده که هر که هفت روز این اسم ورد حق سازد بعدد مفصل وی که
هشت صد و شانزده است روحانیت این اسم وی را خبر دهد از
اموری که در آن سال حادث خواهد شد از احوال ملوک
و انقلابات زمان و امور کلیه عالم علام الغیوب در کتاب شمس المعارف
آورده که هر که مداومت کند بر این اسم که یا علام الغیوب گوید تا وقتی
که تاثیر کند این اسم در وی بر باطن وی استیلا یابد و در آنگاه امور مغیبه
بر زبان وی جاری گشته و اگر در ضمایر است بر وی منکشف گردد و روح وی ترقی
کرده سیر عالم علوی و دوران نماید انتهی صاحب تیسیر المطالب در فصل رابع عشر
از آن کتاب در بیان حروف نون آورده که هر که در مواضع مظلمه ورد
کند که این اسم شریف هر بار بعدد مفصل وی که ششصد و بیست بخواند
مشاهده انوار عظیمه و بی‌اراده دست دهد در عالم حس و شهادت بواسطه غلبه

آن انوار بر باطن وی وصاحب درالنظم آورده که هرگاه بر کسی مبهم شود که
که خطا وصواب است در آن امر از هم جدا نتواند کرد یا در سفر راه گم کند باید
که این اسم دویست پنجاه وشش بار بعدد مجمل وی از روی صحت عزم ویقین
تام بخواند هر طریق صواب در راه راست بر وی روشن شود وهم در کتاب
درالنظم آورده که هرکه حروف این اسم بر این صورت ن و ر
پنج بار کتابت کند وکسی حامل آن شود که مبتلا بود بدرد معده یا خفقان
حق سبحانه آن مرض رفع کند واگر آن نوشته بر عضوی از اعضای
دردناک نهد آن درد زود تسکین شود والم وی تسکین گیرد الفعال صاحب درالنظم
آورده که هرکه مغلوب خواطر ردیئه ووساوس رذیله باشد باید که
مداومت کند بر تکرار این اسم وهر بار که بعمل شغل کرد دوصد وهشتاد و دو
مکتوبت بعدد مجمل وی یا سیصد ونود وسه بار بعدد مفصل وی با طهارت
کامل بخواند که در آن میان فعلی وقولی رجینی از وی صادر نشود دل وی از
وساوس وخواطر واند یشهای پریشان وحزن واندوه خلاصی یابد وجمعیت
باطن وفرح وسرور حاصل شود باب دوم از مقاله ثالث در خواص اسماء ثنائیات
که هر دو اسم از اسماء الهی بعدد ومعاونت یکدیگر عطا موهبت میکنند
واین باب مشتمل بر دوازده فصل وهر فصلی محتوی بر ذکر چهار اسم فصل اول
در تحصیل

در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق صوری و معنوی فصل دوم
در حصول حاجات و اجابت دعوات فصل سیم در کفایت امور و مهمات
و سرعت اجابت دعوات فصل چهارم در ایمنی از آفات و مخافات
و ظهور طریق سداد و رشاد فصل پنجم در تقویت قوای مزاجی و حفظ
و صحت بدن و ایمنی در سفر و حذر فصل ششم در تسخیر عالم روحانی و دفع
ارواح جنی فصل هفتم در تحصیل ارادات و دفع وساوس و شهوات
و بقاء ملک و ثبات آن فصل هشتم در حصول صفت تمکین و اطمینان قلب
و صلاح ملوک و اثبات آن ملک فصل نهم در تحصیل علوم و حقایق و تسخیر قلوب
خلایق فصل دهم در ظهور سر توحید ربانی و تجلی صمدانی و تصرف در عالم
کون و فساد فصل یازدهم در احیاء قلوب میته و دفع فقر و فاقه و جریان
حکمت بر لسان و دفع هموم و غموم فصل دوازدهم در تحصیل علوم خفیه و اطلاع
بر اسرار مکنونه و اجابت دعوات و حصول حاجات فصل اول در تحصیل
مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق صوری و معنوی الاول
الاخر شیخ کامل ابوعبدالله المغربی رحمه در کتاب تیسیر المطالب آورده
که هر که این دو اسم بزرگوار را در لوح مثلث وضع کند وقتی که قمر در شرطین
بود با خود نگاه دارد مقاصد دنیا و آخرت بر وجه حسن میسر گردد و باید

حمل آن لوح باید که بعدد مجمل یا مفصل این اسم تکرار نماید و صلاة کلفه نکنند
تا وقتی که آثار آن در امور ظاهری پیدا شود و باید که ترک نکنند تا احوال باطنی هم
بروجه دلخواه کشف باذن الله تعالی اَلْوَهَّابُ اَلرَّزَّاقُ مداومت برانی دو اسم
شریف بعدد مجمل یا مفصل موجب مواهب معنوی و حصول ارزاق صوریست
و اگر این اسماء با وجود تکرار هر روزه در لوحی از الواح دقیق درج کنند و بر طهارت
کامل دایم با خود نگاه دارد در حصول نتیجه ابلغ و ادخل باشد فصل دوم در
حصول تحصیل حاجات و اجابت دعوات اَلْقَرِیبُ اَلْمُهَیْمِنُ صاحب شمس المعارف
آورده که هر که این دو اسم تکسیر کرده بر نگین عقیق احمر نقش کند و برد در آن
نگین این آیت را بنویسد که بَدِیعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اِلیٰ قوله تعالی
اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ از سورهٔ انعام در خود نگاه دارد و بطاعت و عبادت قیام
نماید و بر وضو و طهارت علی الدوام این دو اسم تکرار نماید هرچه مراد و مقصود
وی بود در دنیا و آخرت حق سبحانه و تعالی میسر گرداند و همه حاجات وی نیز و
دخود بر آورد و هر روز ملائکه بشارت دهد وی را بیمن و مبارکی و ابواب
رزق و برکت بر وی مفتوح شود و در چشم خلایق عزیز و مکرم گردد و این خاتم
رجابت رزق است ذکر است و خواص وی بسیارست اَلسَّرِیعُ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ
وَالْاَبْصَارِ در بعضی از کتب معتبره این طایفه مذکور است که هر که در ساعت

اول

اول روز دوشنبه این دو اسم شریف را کتابت کند بمشک و زعفران
و گلاب و با خود نگاه دارد هر مراد و حاجت که داشته باشد حق
سبحانه عن قریب آن را بلطف اجابت رساند فصل سیم در کفایت مهمات
و سرعت اجابات دعوات الکافی الکفیل صاحب کتاب تیسیر المطالب
در فصل یازدهم از آن کتاب که مشتمل بر ذکر حرف کاف است چنین
آورده که هر که مداومت کند بر تکرار این دو اسم حق سبحانه کفایت کند
کار او را و نگاه دارد وی را از آنچه میترسد و متکفل امور وی شود در آنچه آن را قصد
میدارد و مداومت بر تکرار این دو اسم بعدد مجمل و مفصل بدیگر و ذکر
حروف این اسما تکسیر کرده در عمل نقش وضع کند و با خود نگاه دارد در اثنای تکرار
این اسما، نتیجه قوی تر مترتب شود و زودتر بمقصود فایز گردد المشیخ النفیس
صاحب در التنظیم آورده که تکثیر این دو اسم تبرک است و این ذکریست
که صالح است جمعی را که در دعا الحاح نمایند زیرا که از خواص این دو اسم
آنست که چون بآن توسل جویند و دعا کنند بسرعت هرچه تمام تر جواب شنوند
فصل چهارم در ایمنی از آفات و مخافات و ظهور طریق سداد و رشاد
الرحمن الرحیم صاحب کتاب شمس المعارف آورده که دو اسم جلیل القدر
و عظیم الشان است و هر که در امری از امور مضطر شود و توسل باین دو اسم

شریفه جوید و بعدد مجمل یا مفصل بر آن مواظبت نماید آن اضطرار
برخیزد و مقصود بسهولت میسّر شود کسی که از جبابره و ظالم ترسد حب
چون بر تکرار این دو اسم مداومت نماید ایمن و مطمئن گردد و صاحب
کتاب در التنظیم آورده که این دو اسم بزرگوار پناه مضطرین و امان خائفین است
و فرموده است که هر که این دو اسم نقش کند در ساعت آخر از نهار روز جمعه نقش
کرده با آن تختم نماید هیچ مکروهی به وی نرسد و تا آن خاتم در انگشت وی
بود از همه آفات و مخافات ایمن باشد و هر که این اسما در ورد سازد
و بر تکرار آن مواظبت نماید حق سبحانه و تعالی در جمیع امور لطف خود را شامل
حال وی گرداند النّور الهادی جهت طریق صواب و راه سداد
و رشاد بر کسی پوشیده شود و نداند امر صواب است و یا خطا و پی نبرد
که حق است یا باطل باید که بر تکرار این دو اسم بزرگوار بعدد مجمل یا مفصل
مواظبت و مداومت نماید تا بوجهی از وجوه طریق صواب از خطا ممتاز
شود و حق از باطل جدا گردد و اگر در بیابانی راه گم کرده باشد بعدد مجمل یا مفصل
این دو اسم بخواند در راه راست ببیند رشد و از سرگردانی و پریشانی خلاص
یابد فصل پنجم در تقویت قوای مزاجی و حفظ صحّت بدن و ایمنی
در سفر و حضر القائم القدّوس صاحب کتاب شمس المعارف آورده

که اگر

که اگر کسی این اسماء نقش کرده و با خود نگاه دارد و بر ذکر آن مداومت نماید قوت و شوکت وی بسیار گردد عنقریب که هر چند راه رود ماند نشود و مردم را ایمان سبقت گیرد حامل این اسماء همیشه تن درست و صحیح المزاج بود و اگر این اسماء بر موم نقش کند و بر سر حریفی نهد صداع و سایر امراض سر را نافع بود و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله فرموده است که من این معنی را در آنها دیدم که صاحب صداع بودند بسیار تجربه کردم و صحیح بود و در مرتبه که هر کسی آن را بر کافوری نقش کند و آن موم در آب افکند و صاحب قروح و دمامیل از آن آب بیاشامد صحت تمام یابد و بعون الله تعالی و احتما در تنها یک شب

الحفیظ الرقیب هر که بر این دو اسم شریف بعدد مجمل یا مفصل ایشان مداومت کند بر وجهی که بعد از نماز فرض بامداد خواه در سفر باشد و خواه در حضر بخواند آنرا از لطف خفی تر حافظ و نگاه دارد و نگاه بان وی باشد از جمیع آفات و بلیات فصل ششم در دعاهای عالم روحانی و دفع اعراض جسمانی العزیز ذو الطول صاحب در النظیم آورده که هر که هفت هفته متصل ملاحظه لقمه حلال کند و چنین شب شود بر طهارت کامل نماز گذارد و این اسماء را بعدد مجمل ایشان بخواند پس خواب کند بر دست راست روی بقبله عجایب عالم روحانی بروی منکشف شود و اگر این اسماء در ربع و فقر

درج کنند بحروف یا اعداد ایشان یا جمع کنند میان حروف و اعداد در
انگوچه که مربع حرفی را بنویسد و بر ظهر آن مربع عددی سورة تمزنند و در هر خانه
از آن مربع رسمی از اسمائے الحسنیٰ کتابت کنند و آن مربع سور روز با حفظ
نگاهدارد و شب در زیر بالین نهد در حصول مقصود ابلغ و ادخل بود
و اگر آن مربع بر ظرف چینی یا زجاجی نویسد بمشک و زعفران و گلاب
یا آب باران بشوید انواع و اصناف حمیات را نافع بود النافع
النور صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسماء شفا و است از هر مرضی
خاصة امراض بارده و دافع سموم عقارب و سایر سموم بارده است بس
چون کسے این دو اسم در مربع ۵ در ۵ وضع کند هرگاه که آن مربع را
در آب عرض کنند و آن آب شریفی بیاشامد نفع بین مشاهده کنند و
تکرار و تذکار این دو اسم بزرگوار بعدد مجمل یا مفصل چنین خاصیت دهد
فصل هفتم در تفصیل و ادات و دفع وساوس و شهوات و بقاء ملک
و ثبات آن الکبیر المتعال صاحب شمس المعارف آورده که اگر این
دو اسم بر ورق آهو نقش کنند بمشک و زعفران و گلاب و با خود
نگاه دارد بجمیع مرادات وصل شود و اگر صاحب وساوس بر حمل آن

مرادهست

مداومت کند از آنمرض خلاص شود و اگر شهوتی بر وی غالب بود زود
شکسته و اگر از مرض متالم و مجروح خاطر بود آن الم بزودی مرتفع شود
و اوقات این عمل وقت سحر باید کرد و آن سحر پنجشنبه یا جمعه بود و اکثر
اولی بود الملك القدوس صاحب در النظیم آورده که این دو اسم شریف
از برای دوام ملک مقرر است و هر ملکی که بر ذکر این دو اسم بعد از تحمل یا تفصیل
ایشان مداومت کند ملک وی ثابت شود و قدرت وی مستولی گردد
باذن الله تعالی فصل هشتم در حصول صفت تمکین و اطمینان قلب و صلاح
ملوک و اثبات ملک الملك مالك الملك صاحب تیسیر المطالب آورده
که هر که مداومت کند بر تکرار این دو اسم بطریق خطاب که یا مالك
یا مالك الملك گوید و هر بار بسعید و شصت بار بخواند در هر مقام که باشد از
مقامات ملوک صاحب یقین شود و صفت برد الیقین و بر او حاصل و اگر
حروف این اسما تکسیر کرده در در بعیر وضع کند و با خود نگاه دارد مدعظیم
باشد در اکثر مطلوب و مقصود اوست الملك العزیز صاحب در النظیم آورده
که هر که این دو اسم شریف بنزد صاحب ملک و قدرت بخواند صرحی بصلاح
آید و اگر ظلمی و فقر دارد برطرف شود و این اسما مخصوص بملوک است هیچ
ملکی بر این اسما مداومت نکنند الا آنکه عمل وی ثبات و باقی ماند و از خلل و ف[illegible]

الملك الملك یا مالك الملك یا مالك ... [illegible]

محفوظ باشد و قدرت و تصرف وی شامل و مغلب گردد و سالکان
طریق حق را که شهوات ایشان تسکین یابد و صفت ملائکه ایشان
حاصل شود و از ارواح علوی تائید و نصرت یابند و بر مخالفان قدرت
حاصل کنند و بر معاندان غالب آیند فصل نهم در تحصیل علوم و حقائق
و تسخیر نفوس خلایق المهیمن المقیت صاحب در النظیم آورده
که هر که مداومت کند بر این ذکر بعدد جمل یا مفصل وی حاصل شود
وی را علم بسیار و صفت استیلا بر ابنای جنس و در اقبه احوال در امور
خیریه کلیه حاصل شود العلی العظیم صاحب شمول لمعارف آورده که هر
این دو اسم تکسیر کند و بر نگین فیروزه نقش نماید و بآن متختم شود هر کس از اسم
بروی افتد پیش وی متذلل شود و خاشع گردد و هم در آن کتاب آورده
که بعضی از خلفای عباسیه استعمال کرده اند محرمی از آن خلیفه پرسیده است
که سبب چیست که تمام سلاطین روی زمین غالب آمدید وی خاتمی از
جیب خود بیرون آورده که بر آن این دو اسم تکسیر کرده بود نشان گفته که
مادام که این خاتم بدست ما باشد هیچ کس را بر ما قوت و قدرت استیلا نباشد
فصل دهم در ظهور سر توحید ربانی و تجلی صمدانی و تصرف در عالم کون و فساد
الاحد الصمد صاحب در النظیم آورده که بعضی از علما بر آن رفته که اسم اعظم

الله ترجمانه

الله سبحانه این دو اسم بزرگوار است. و مداومت بر تذکار این اسماء بعدد مجمل یا مفصّل بعد از فرایض پنج وقتی موجب ظهور سرّ توحید و انکشاف تجلّی صمدانی است که از جملهٔ تجلّیات کلیّه است و بعضی از آثار این تجلّی آنکه صاحب وی از اکل و شرب مستخلص شود و با وجود این تجلّی. اصلاً و قطعاً در وی اثر جوع و عطش نماند بلکه اگر عن قصد میل خوردن و آشامیدن کنند نتوانند القادر المقتدر صاحب شمس المعارف آورده که هر که این دو اسم بر نگین نقره نقش کند و بآن تختم نماید و اکثر اوقات بر این ذکر مداومت کنند بر وی غالب شود بر ابنای جنس و اگر در تکرار این عمل اهتمام تمام فرماید همهٔ خلق مسخر و مغلوب وی شوند و حکم وی بر افراد انسانی نافذ گردد و قدرت و تصرف در قوت گیرد و اگر کسی از آن خاتم مهر بر موم سیاه نهد و در موضعی که ویرانی آن مطلوب است از منازل فسقه و ظلمه بر آتش نهد آن منزل چنان خراب و منهدم شود که ماوای کلاغ و دار البوم گردد و آبادان نشود و عمارت نپذیرد و شیخ شرف الدین بوند رحمه الله فرموده است که ما آثار این عمل را مشاهده کرده ایم و در غایت صحت بود و هرگز تخلف نشده فصل یازدهم در احیای قلوب میته و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر لسان و دفع غموم و هموم الحی القیوم صاحب

در التنظیم آورده که نزد بسیاری از علماء و عرفا اسم اعظم الله تعالی این دو اسم بزرگوار است
و حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد است که فرموده اسم الله الاعظم فی
هاتین الآیتین قوله تعالی اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ و قوله تعالی
الٓمٓ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ و شیخ علامه رازی رحمه الله در لوامع
البینات آورده که بعضی از اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ است
و دلیل ایشان آنکه از ابی ابن کعب رضی الله عنه بصحت رسیده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله وی را اسم اعظم در آموخت و فرمود که آن در آیه اَللّٰهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ است و در آیه الٓمٓ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
و علماء گفته اند که اسم اعظم نیز لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ است زیرا که این اسماء در آیات بسیار
واقع است و از تخصیص این روایت که آنحضرت فرموده که اسم اعظم اجابت
بنابر حدیث مذکور مستقر و محقق که آن اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ باشد و در کتاب در التنظیم
از ابی امامه رضی الله عنه نقل کرده که روایت کرده است که حضرت رسول صلی
الله علیه و آله فرموده است که اسم اعظم الله تعالی که چون بوی سؤال کنند عطا یابند
و چون بوی دعا کنند مستجاب شود در سه سوره است مبارکه البقره و آل عمران و طه
و ابو جعفر دمشقی رحمه الله گوید که نظر کردم در این سه سوره مبارکه دیدم در آن آیاتی
که در تمام قرآن مثل آن نبود در البقره اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

و در آل عمران

و در آل عمران الٓمٓ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ و در طه آمده وَعَنَتِ
الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ است و دالداننی فقیر در جواهر التفسیر آورده
که حدیث ابو امامه از احادیث مرفوعه است و حدیث مرفوع آنکه منصوب
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد و بآنحضرت منتهی شود بحسب قول
یا فعل خواه آن حدیث متصل بود خواه منقطع و در مستدرک حاکم رحمه الله
حدیثی صحیح الاسناد مرویست که چون امری عظیم حادث شدی یا د
یگری بحضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیدی دست مبارک بدعا بر داشتی
و فرمودی که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و بصحت رسیده که چون آن
حضرت در دعای سعی و اهتمام بلیغ داشتی فرمودی که یا حی یا قیوم
برحمتک استغیث و قاسم ابن عبد الرحمن روایت کرده است که چون
نازل شدی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله غمی و همی فرمودی یا حی یا
قیوم برحمتک استغیث و در جواهر التفسیر آورده اند که علامه رازی
در تفسیر کبیر از حضرت علی علیه الصلاة والسلام نقل میکند که او در روز
قتال اهل ضلال مشغول بودم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در عریش بود

بعد از زمانی که مقابله نموده بودم شوق دیدار آنحضرت بر سرم افتاد آمدم که ببینم
که در چه کار است دیدم که بسجده در افتاده است و بر زبان مبارک میراند که یا
حیُّ یا قیّومُ برحمتک استغیث بازگشتم و روزی بجذب آوردم دیگر باره
نزد عرش آمدم آنحضرت صلعم بهمان حال دیدم که سر بسجده نهاده بود و زبان بذکر
یا حیُّ یا قیّومُ گشاده و همچنین چند نوبت رفتم و آمدم و میدیدم و میشنیدم
که آنحضرت بهمین اسما متذکر است تا وقتی که حق تعالی نصرت فرستاد و
آن فتح قریب دست داد و بصحت رسید که آنحضرت فرموده است که اسم اعظم که آصف
ابن برخیا با آن دعا کرد که تخت بلقیس بسط قدر العین پیش سلیمان علیه السلام حاضر
کرد رسید یا حیُّ یا قیّومُ بود و در تفسیر کبیر از شعبی نقل میکنند که دعای عیسی علیه
السلام در احیاء اموات یا حیُّ یا قیّومُ و از ابو حامد الغزالی قدس سره
منقولست که بتجربه اکابر محقق شده است که مداومت بر این دو اسم
شریف موجب حیات قوت عقلیه است و شیخ بزرگوار شیخ رکن الدین
علاء الدوله قدس سره منقولست که فرموده است از جمله دعواتی که
بر زبان مبارک حضرت خضر علیه السلام بسیار جاری می‌شد یکی

انت که یا حیّ یا قیّوم یا لا اله الا انت اسئلك ان تحیی قلوبنا بنور
معرفتك ابدا الشیخ شمس الدین ابن القیّم از کبار تلامذه شیخ شمس الدین
محمد ابن ابراهیم التیمی است رحمهما الله تعالی چنین فرموده است که شیخ و استاد من
ابن تیمی بسیار ترغیب و تحریص نمود بر مداومت و مواظبت این دو اسم
بزرگوار روزی مرا گفت که بدان ای فلان که این دو اسم شریف را در حیات قلب
و صفای باطن اثر عظیم است و اسم اعظم که از وی پرسیدم باین دو اسم اشارت
فرمود و از وی شنیدم که میگفت که هر که چهل روز بر تکرار این دو اسم شریف مداومت
نماید بر آن وجه که هر صبح میان سنّت و فریضه بامداد چهل بار بگوید که یا
حیّ یا قیّوم یا من لا اله الا انت برحمتك استغیث دل وی حیات
حاصل شود که هرگز نمیرد و صاحب در التنظیم از کتاب شمس المعارف نقل
کرده است که شیخ شرف الدین بونی رحمه الله فرموده است که چنین کسی روز سه شنبه و چهار
و پنجشنبه روزه دارد و چون صبح جمعه شود نماز در اوّل وقت بگذارد و بعد از
سلام پیش از آنکه بشغلی از اشغال بپردازد بوجه قولی و وجه فعلی بذکر یا حیّ
یا قیّوم قیام نماید و متصل میگوید تا وقتی که آفتاب طلوع کند آنکه در میان
ساکت شود یا تمشی کند پس دوات و قلم و کاغذ مهیا کرده فی الحال در عقب

آن ذکر در اول طلوع آفتاب بنویسد که یا حیّ یا قیّوم و در بر کبوتر لایق داشته درهم
بپیچد و با خود نگاه دارد عجایب مشاهده کند از برکت و جمعیّت و وسعت
رزق و قهار خیرات چنانچه موجب تعجب و شگفت مردمان شود و باید که
این معنی و معمول بعد از سفیهان قوم نگاه دارد البته و از نا اهلان اخفا کند و صاحب
کتاب شمس المعارف آورده که این دو اسم شریف به لوح حلیت نقش در شش
که چهار کاتب و قاری این اسماء و حامل آن که عمل وی اتم و اکمل بود و نتیجه به روجه
احسن و اسهل شود و در حمل این لوح نیز خواص بسیار است چنانچه مذکور است که
وی فواید است مثل دفع قساوت قلب و رفع احتیاج با بنای جنس و خلاصی از
فقر و فاقه و غیر آن و لوحی که مذکور شده است الودود الرحیم صاحب در التنظیم

۷۸۶ ح الودود الرحیم ۴ ۷ ۱ خ

م ۴۰	و ۶	ی ۱۰	ق ۱۰۰	ی ۱۰	ح ۸
ی ۱۰	ق ۱۰۰	م ۴۰	ح ۸	ی ۱۰	و ۶
ی ۱۰	ح ۸	و ۶	ی ۱۰	م ۴۰	ق ۱۰۰
ح ۸	ی ۱۰	ق ۱۰۰	ی ۱۰	و ۶	م ۴۰
ق ۱۰۰	م ۴۰	ی ۱۰	و ۶	ح ۸	ی ۱۰
و ۶	ی ۱۰	ح ۸	م ۴۰	ق ۱۰۰	ی ۱۰

آورده که در سوره یس اسم
اعظم است ذکر کسی و دو
آن را تکسیر کند و در این عمل
بر طهارت کامل باشد و متصل
قبله نشیند پس بر ظرف چینی
با زعفران رقم زند به مشک و
زعفران

زعفران و گلاب آنگاه محو سازد و بیاشامد داینی عمل را شش روز متصل این
حروف اسمی دو اسم تکرار کنند حقیمانند زبان دیر الحکمت ناطق و جاری گردد
داینی اسماء در وسط و اسرار مخفیه عالم بروی آشکارا و منکشف گرداند دیگر
۱۷۸۹۵ اسماء در وسط سوره است و آن پنج کلمه است و مجموع آن شانزده حرف است و
از آنجمله چهار حرف منقوطه است و دو حرف از آن نقطها بر فوق دارد
و دو حرف نقطها در تحت دارد اشارها کلام پوشیده نباشد که آن پنج
کلمه که مشتمل است بر اسماء اعظم سلام قولا من رب رحیم است و بعضی ۱۳۸۲
از علماء برآنند که اسم اعظم در سوره یس مبارکه در این آیه است و آن رب رحیم
است و ذکر صریح لفظ سلام اسمیت از اسماء حسنی الهی اما در این آیه نه
از آن قبیل است بلکه بمعنی تحیت است و راقم اینحروف از والد خود علیه
الرحمه استماع دارد که در معهد از بعض اکابر یاد دارم که هر کرا غمی و المی پیش آید که
بآن درماند باید که سوره یس سه کو اند و چون باین آیه رسد هفتاد و دو بار
تکرار کند بعد از آن سوره را تمام سازد و حقیقی بر برکت اینحروف اسم بزرگوار
آن هم و غم و الم سو ترفع گرداند و بفرح و سرور و نشاط مبدل گرداند و انجمل
بکرات و مرات واقع شده و از مجربات صحیحه است فصل دوازدهم در تفصیل

جهت دفع هم و غم مجربست

علوم خفیه و اطلاع بر اسرار مکنونه و اجابت دعوت و حصول حاجات ١٦١ اَلحَکیمُ
اَلعَلیمُ صاحب کتاب شمس المعارف آورده که مداومت بر این دو اسم شریف
موجب فتح باب حکمت و صنعت اکسیر و بر هر که امری از امور دنیوی و دنیوی
مبهم شده باشد که بقوت فکر شیء ادراک و کشف آن متعذر و متعسر
بوده باشد باید که بر تکرار این دو اسم نیز تکرار مداومت نماید تا حقیقت
آن شکل بر وی سهل سازد و آن اسم را با سائر معلومات شیء و مؤثر طبیعت
بر این دو اسم عدد مجمل ایشان باید نمود و اگر عمل قوی تر خواهد بعدد مفصل ایشان
تکرار کند و اگر از آن نیز قوی تر خواهد باید که این دو اسم مکسر تکسیر کند و در مربعی وفق
وضع نماید و با وجود تکرار هر روزه آن لوح را نیز حامل باشد بر سبیل دوام بشرط
طهارت بدن و نظافت لباس تازه و ترک معصیت و اصل ثم اَلتَّسمیع
اَلعَلیمُ صاحب در التنظیم آورده که بعضی از علماء نوشته که اسم اعظم عبارت
از این دو اسم است و مواظبت بر آن بعدد مجمل یا مفصل موجب ظهور اسرار مکنونه
و فتح باب کنوز مخزونه است و بعضی از خواص اسم العلیم در فصل دوازدهم
از باب اول گذشته و بعضی از اکابر بجای اَلتَّسمیع اسم اَلتَّسریع را جمع کرده اند
و در خواص آن نوشته اند که این دو اسم شریف را در اجابت دعوت قوت

و تاثیر

و تأثیر عظیم است پس چنین کسی را اراده طلب حاجتی کنند باید که این دو اسم شریف را
بر کف دست خود نویسد و دست بدعا بردارد و چهار هزار و دویست ۴۲۷۷
هفتاد و هفت بار این اسم بگوید بعد از اتمام ذکر فی الحال اجابت متفرع شود
بشرط که رعایت شرایط کلامی کرده باشد بدستوری که در مقاله اولی ایراد
یافته و اگر کسی بعد داعیه مشاهده ارواح علوی و سفلی لعاب این اسماء بهمان عدد
که مذکور شد با شرایط کلامی بخواند بمقصود رسد و به ارواح علوی و سفلی برا
مکالمه دست دهد و هر سؤالی که کند بر طبق مقصود جواب شنود و فواید از شان
ذاکر بود و بعضی از خواص اسم السریع است در فصل یازدهم از باب اول مذکور شده
و در شرح اسماء الله حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سره مذکور است که
هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هشت رکعت نماز گذارد به چهار سلام بعد از آن نهصد
بار بگوید یا سمیع بشرط که در آن اثنا اصلا سخنی نگوید بعد از آن هر دعا که
کند مستجاب شود و اگر اسم السریع را با آن ضم کند عنقریب اجابت
مترتب گردد و اگر بعدد جمل ایشان خواند اولی بود و بعضی دیگر از اکابر
با اسم [illegible] السمیع البصیر جمع کرده اند و در خواص آن ذکر کرده که هر که میان
فرض و سنت جمعه صد بار السمیع البصیر بگوید بنظر حق سبحانه مخصوص

گردد و سمیع روح و بصیرت او مفتوح شود و صاحب اسرار گردد و هر روز جمیع
بعدد مجمل این اسماء تکرار کنند اثر عظیم ظاهر شود و در شمس المعارف آورده که هرگه
ضم کند بصیر را بسمیع و بعدد مجمل یا مفصل بر سر بالین صاحب غشی و بیهوشی
بخواند بعنوان خطاب که یا سمیع یا بصیر گوید ببرکت این اسماء صاحب غشی
زود بهوش آید و آن مرض از دل و دماغ وی [illegible]
[illegible] زایل شود و استعمال غایتی است نزد بعضی از اهل اسرار و عددی که بر آن
مداومت باید نمود بمذهب ایشان هفتصد است از برای دفع غشی و بیهوشی
و اگر کسی این اسماء بر لوح ذهب نقش کند بشرایط کتابی که در مقاله اولی
سمت تحریر یافته و با خود نگاه دارد و دیگران نیز باشد تا ملاقات جن کند
و طبقات ایشان را مشاهده نماید و هر چیز که بر ایشان حکم کند انقیاد نمایند
و اگر کسی اکثر اوقات خود را مستغرق این ذکر سازد بر اسرار و ضمایر اطلاع یابد
و مافی الضمیر مردمان بر وی روشن شود و بسیاری از احوال مخفیه خلق و امور عجیبه و
غریبه بر وی ظاهر گردد و بر اسرار و مخفیات عالم غیب منکشف شود و شیخ شرف
الدین ابو العباس بونی فرموده که تکرار این اسماء خواص و آثار مذکوره بسیار شاهد
افتاده باب بیستم در خواص اسماء ثلثیات که هر دو اسم از اسماء حسنی بوافقت

و مظاهرت

و منظاهرت یکدیگر کفایت مهمات میکند و این باب مشتمل بر دوازده فصل است
و هر فصلی محتوی بر ۳ اسم از اسماء حسنی الهی فصل اول در القای محبت و مهابت
در قلوب و قضاء حوایج فصل دوم در تسخیر نفوس و تصرف در امور
بخیر و شر فصل سیم در تیسیر امور و تحصیل مقاصد فصل چهارم در توسیع
رزق و تیسیر مرادات فصل پنجم در دفع بلیات و دفع مکروهات فصل
ششم در ایمنی و سلامتی از آفات و عاهات فصل هفتم در دفع خشیت و
تحصیل طمانینت فصل هشتم در حصول عزت و جمعیت و ظهور فتح و نصر
فصل نهم در تسکین دادن خود از شهوات جسمانی فصل دهم در
ظهور اشخاص روحانی و حصول مقاصد از ایشان فصل یازدهم در کشف
عواقب امور فصل دوازدهم در کشف امور مخفیه در منام فصل اول در
القاء مهابت و محبت در قلوب و قضاء حوایج بسم الله الرحمن الرحیم
صاحب کتاب شمس المعارف آورده که هر که بر آنچه ودیعت نهاده است
که خدا تعالی در این ایت از اسرار و حقایق قرآن را کتابت کنند سوخته نشود
با آتش و روایت که چون این آیه نازل شد جبال بلرزید و ملائکه مقربین
زبانه دوزخ را گفتند که این آیه بخواند آتش در نیاید و آن نوزده حرفست بعدد

زبانیه دوزخ که موکلند بر آتش و هر که این آیه را که مشتملست بر اسم اعظم اسمائی الحسنی

بخواند و بر قرائت آن مواظبت نماید هیبت وی در باطن آن عالم علوی

و سفلی پدید آید و این آیت اول چیزیست که قلم اعلی بر لوح کتابت نمود

و این آیت حق سبحانه ملک سلیمان ع بوی کرامت فرمود و هر که این آیت سیصد بار

و بقولی ششصد و چهل بار کتابت کند و آن مکتوب را با خود نگاه دارد هیبت

و مهابت وی در دلها مستولی شود و یکی از کبار علمای صحابه رضی الله عنهم روایت

کرده است که هر کرا حاجتی مهم باشد باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه

دارد و چون جمعه حمام رود غسل بجا آورد و جامه پاکیزه در پوشد و بمسجد جامع

رود و در راه آنچه تواند صدقه دهد و چون نماز جمعه بگذارد این دعا بخواند که

اللّهمّ انّی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب

والشهادة هو الرحمن الرحیم واسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الحیّ

القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم ملأت عظمته السموات والارض

واسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی عنت الوجوه وخشعت له

الابصار الذی وجلت له القلوب له السموات ووجلت القلوب

من خشیته ان تصلّی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی و چون

اینجا رسید

اینجا رسد حاجت خود را بر حق سبحانه عرض کند بعز اجابت مقرون گردد
و آن بزرگ صحابی وصیت کرده که زینهار بعضی از قوم خود اینها را معلوم نماید
لیکن بصالحان برسانید و در کتاب در التنظیم آورده که بخط بعضی از
عارفان دیده ام که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است
که هر کرا حاجتی کلی بود باید که بر رقعه بنویسد که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مِنْ
عَبْدِكَ الذَّلِيلِ اِلَى رَبِّهِ الْجَلِيلِ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ الْفَقْرُ وَاَنْتَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ پس آن رقعه را در جوی آب روان عظیم اندازد و در
آن عمل بگوید که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَصَحْبِهِ الْغُرِّ
وَاقْضِ حَاجَتِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس حاجت خود یاد کند بتحقیق که مراد
او بر آید و حاجت او بر آید باذن الله تعالی فصل دوم در تسخیر نفوس و تصرف
در امور خیر و شر اَلْقَائِمُ الْقَوِيُّ الْمُقْتَدِرُ صاحب شمس المعارف آورده
که هر که این دعا را تک کند و بر خاتم نقره نقش نماید و برد در آن این
آیه را بنویسد که اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ و در وقت عمل بخور کند
با سطرک افریقی و ادخر که دو داروی معروف است پس آن خاتم را در
انگشت کند هر که بر پادشاه در آید هیبت و مهابت وی در دل پادشاه در آید است

کنند و هر جا رود خلق از وی بترسند و مطیع و منقاد وی شوند و اگر آن خاتم را

در منزل سلطان جابر و حاکم ظالم دفن کنند آن ملک و پادشاهی و ایالت و

حکومت از دست وی بیرون رود و رعایا دشمن وی شوند و سرکشی آغاز کنند

و شتهای عظیم از سر آن ظالم قایم شود و خواص این خاتم در تخریب دیار

ظلمه و تفریق فسقه بغایت قویست فصل سیم در تیسیر امور و تحصیل مقصد

الرَّبّ الرَّحمٰن الرَّحیم القیّوم صاحب در النظیم آورده که بخط مبارک شیخ

ابو الحسن الشاذلی قدّس الله روحه دیده ام که نقل کرده بهست که از کتاب

نور الیقین و بشارت اهل التمکین که چیزی که خواهد که حاجتی از حضرت حق

طلب کند باید که شب پنجشنبه غسل کند و بر جای نماز معتکف نشیند تا نماز

شام بگذارد و هم بر جای نماز مکث کند و ذکر گوید تا آن زمان که نماز خفتن

نیز بگذارد و بعد از آن رکعتی چند ادا کند انقدر که تواند پس چون نماز

وتر گذارد و در سجده آخر از رکعت آخر وتر صد بار گوید که یا رب یا رب یا حیّ

یا قیّوم برحمتک استغیث انگاه مراد خود در خاطر بگذراند بهمه حال حاجت

وی روا شود فصل چهارم در توسیع ارزاق و تیسیر مرادات الکریم الوهّاب

ذو الطول صاحب در النظیم از بعضی محققان نقل کرده که هر که مداومت

کنند

کند بتکرار این اسم بزرگوار حبنق معیشت وی بسبب رزق مبتدل شود
و روزی وی از جائی ملیتر گردد که هرگز در گمان وی نگذشته باشد و آن
محقق فرموده که بسیار مردم را باین عمل امر کردم و از برکات آن چیزها
بسیار مشاهده کردند که بغایت غریب و عجیب بود هر که نقش کند این
اسما را و با خود نگاه دارد دشوار بهای وی آسان گردد و چنانکه بدانند
که از کدام همراه این معنی میسر شد و هر که تکرار کند این اسما بغیر تحمیل
ایشان در موضع خالی بر طهارت کامل و حضور تمام و نیت صحیح
صادق و قلب حزین خاشع و برین عدد بیفزاید روزی نگاه بعد از اتمام
عمل هر دعا که کند مستجاب شود انشاء الله و صاحب در النظیم فرموده که باید که
عامل این قاعده را بداند که زیاده کردن بر عددی که مقرر شده است
اسراف است و نقصان کردن از وی اخلال فصل پنجم در دفع بلیات
و رفع مکروهات العلی العظیم الکبیر صاحب شمس المعارف آورده که
هر که این سه اسم تکبیر کند و بر خاتم ذهب نقش کند و بر دور آن خاتم بنویسد
که یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ صاحب آن خاتم از جمیع بلیات و مکروهات
ایمن ماند و هر کس که نظر بر وی افتد وی را دوست گیرد و بی اختیار دوست و محبت

او شود و اگر کسی با وی در مقام عناد و خصومت بود دوست و منصور
گردد و اگر در مقام حیله و مکر بود وبال و نکال آن هم سوی عاید گردد و حامل
این لوح همیشه محفوظ و محروس بود ... این معنی ... در اوقات بسیار
نسبت با حاد و افراد انسان مشاهده کردم و در اشتمال آثار عجیبه و غریبه
یافتم فصل ششم در این معنی و سلامتی از آفات و علامت الرئوف
المنّان الکریم صاحب شمس المعارف گوید که هر که حروف این
اسما را تکسیر کند در ساعت مشتری وقتی که آفتاب در قوس بود و در مربع
درج کند و آن مربع را بر صفحهٔ ذهب نقش کند در روز جمعه وقت نماز
نماز پیشین پس ببرد و بر آن لوح این آیه را بنویسد وهو الذی خلق
السموات والارض بالحق الی قوله تعالی الحکیم الخبیر از سورهٔ انعام
و آن لوح را با خود نگاه دارد بشرط دوام وضو و طهارت بدن و نظافت
لباس حق سبحانه وی را از جمیع آفات و مخافات و بلیات و عاهات
محفوظ دارد و چنانچه اگر تیری قضا بر روی اندازند از روی بگردد و
بجای دیگر فتد و خواص این لوح بسیار و بیشمار است فصل هفتم در رفع
خشیت و تحصیل طاعت الحکیم الرئوف المنان صاحب شمس المعارف
آورده که هر که از قهری ترسان و هراسان باشد باید که این اسما شریف را

با سلو

باسلوب خطاب کتابت کند بر نحوی که یا حلیم یا رؤوف یا منان نویسد و در روز دوشنبه اول ماه در ساعت قمر و آن را بر بازوی راست بندد و پیش حاکم ظالم که از وی خائف بود در آید حق تعالی نیز وی را از شر آن ظالم و از خشم و غضب وی نگاه دارد و دل وی را نرم گرداند و بر حامل آن لوح مشفق و مهربان سازد و اگر این اسما را تکسیر کنند و در مربعی وفقی وضع نماید و آن لوح را با خود دارد و بر زبان نیز تکرار این اسما کند و در این حال بر جبابره و قهار در آید از قهر و غضب وی ایمن و سالم ماند و هر که شهوت بر وی غلبه کرده باشد جهت بر این اسما مداومت کند شهوت آن فرو نشیند و از شر آن وسوسه و دغدغه خلاص گردد فصل هشتم در حصول عزت و عظمت و ظهور فتح و نصرت العزیز الجبار المتکبر صاحب شمس المعارف گوید که این اسما بزرگوار لایق حال ملوکست و مداومت بر آن عزت و عظمت افزاید و فتح و نصرت عطا کند و اگر حروف آن را تکسیر کرده در مربعی درج کند و بر دور آن آیه انا فتحنا را الی قوله تعالی نصرا عزیزا بنویسد و در روز سه شنبه ساعت مریخ و کسر طالع وقت کتابت حمل بود و زحل در حضیض و اول اول بود در حیز عمل بخور کند به بهرامج که دار روی حو و فقت لیس چنین آن لوح

شرایطش تمام کند و پادشاه با خوف نگاه دارد در حرب دشمن رود البته فتح و ظفر از جانب وی باشد و هر گاه از لشکر دشمن چشم بر وی فهند از وی بترسد و خوف بر دلش غالب گردد که مجال مقاومت نداشته باشد و فی الفور فرار نماید و روی بهزیمت نهند و صاحب در النظیم آورده که این اسماء ثلاثه از جمله اسماء صفات ذات است و لازم این اسماء است خوف و وحشت و عظمت و هیبت و هیچ ذلیلی و حقیری بر ذکر آن مداومت نکنند الا آنکه عزیز و رفیع گردد و نزد هیچ متکبری و جباری نخوانند الا آنکه خار و خاک تر گردد و هیچ پادشاهی متکبر جباری بر آن مداومت ننماید الا آنکه در نفس خود آنکساری و شکستگی مشاهده نماید و هر بار که باین ذکر اقدام کنند باید که زمان مشغولی کم از یک ساعت نجومی نباشد و هر چند زیاده مشغولی کنند بهتر بود تا اثر روحانیت این اسماء ظهور کند و خواص و اقبال خود آشکار نمایند و عامل هر چند در بهظور قلب و صفای نیت و تصحیح مرتبه بالتمام زیاده نماید فایده و منفعت آنرا بیشتر مشاهده نماید فصل نهم در تسکین دادن خاطر از شهوات جسمانی العلیم الحکیم العظیم در کتاب در النظیم آورده اند

که هر که

که هر که این اسماء بزرگوار را کتابت کند بر ظرف چینی یا زجاجی و آب
عذب محو کرده بنز یاشتا بیاشامد حق تعالی خاطر وی را ساکن کرداند از
دغدغه شهوات جسمانی دهم صاحب در النظیم فرموده که اگر این سی و سه اسم
شریف بعضی دیگر اسماء الهی را که در وسط آن حروف یا ست ضم کنند و همه
بر ظرف چینی کتابت کرده با آب پاک شیرین محو سازند و بر نهار بیاشامد
در انجح مطلوب ادست ابلغ و ادخل باشد و مجموع اسمائی که در قرآن
واقعست و در وسط آن حروف یا ست سی و هشت است و آن هشت
البدیع البصیر الجلیل الحسیب الحکیم الحلیم الحمید الخبیر الرحیم
الرشید الرقیب السریع السمیع الشهید الشدید العزیز
العظیم العلیم القایم القدیر القریب القیوم الکبیر الکریم اللطیف
المبین المتین المجیب المجید المحیط المحی المعید المقیت
الممیت المهیمن النصیر الوکیل فصل دهم در ظهور اشخاص روحانی
و حصول مقاصد از اسماء السریع الرقیب المقدم رقم آنچه حروف
بخط خدمت والد علیه الرحمه دیده که از کتب معتبره قوم نقل کرده بودند
که هر که این اسماء شریف تکسیر کند بدین وجه ال ال ال س د د ق ا م ق
ی ع ی ب ق د ر و آنرا بر صفحه زهره یا قمر بر روز سه شنبه

رقم زند و بر دور آن آیه قل اللهم مالک الملک را الی قوله تعالی
بغیر حساب نقش کند و بمشک و عود هندی بخور کند و در اثنای عمل
بزبان نیز بر ذکر این اسماء مداومت کند و متوجه عظمت این اسماء
بر خلو باطن از خواطر و خلو مکان از ابتداء عمل چهل روز روزه گیرد
و ذاکر در آن از بعضی از اکل و حیوانی اجتناب نماید اولی بود چون
عمل باتمام رسد با رعایت شرایط کتابه و کلامی قومی از روحانیان
بروی ظاهر شوند و با وی مکالمه کنند و عامل در صحبت ایشان ترقی
بسیار کند بمثابه که اگر خواهد با ایشان بر هوا تواند رفت و بمقاصد کلیه
عظیمه فایز گردد ببرکت فضل و تاثیر این اسماء والله الموفق فصل یازدهم
در کشف عواقب امور اَلْهَادِیُ اَلْجَتَبِیُ اَلْمُبِیْنُ در کتاب التنظیم
آورده که هر که خواهد که عاقبت بعضی امور مهمه معلوم کند باید که
بر ذکر این اسم مداومت نماید و در اثنای عمل بصفت جوع و سهر
متصف بود و بتقلیل طعام و منام و کلام قیام نماید و بعد از هر چند بار
که بخواند بگوید اِهْدِنِیْ یَا هَادِیْ خَبِّرْنِیْ یَا خَبِیْرُ بَیِّنْ لِیْ یَا مُبِیْنُ
لی الخیر مراد اوست نام برد و این عمل در دل شب کند که همه خلق آرام گرفته
باشند و بخواب رفته پس چون عمل تمام کند و بخواب رود بر طهارت و

روی در قبله آنچه مقصود است روی نماید یکی از ارواح بر روی مشتمل کشف
و بوجهی از وجوه بر نمایت آن امر مبهم وی را اطلاع دهد فصل دهم از
در کشف امور مخفیه در منام النور الباسط الظاهر در کتاب
در النظیم آورده که هر که اراده کند که چیزی را در خواب مشاهده نماید
و چیزی مطلع کند از غایبی یا حادثه از حوادث کونیه که هنوز اثر
آن بظهور نیامده باشد باید که طهارت کامل بسازد و بفراش
در آید و با نیت خالص و عزم صحیح و توجه تام بامری که مطلوب
اوست بذکر این اسماء شغل کند و آن قدر که تواند بخواند و اگر بعدد
مجمل این اسماء بخواند اتم و ابلغ بود و آن هزار و دویست و سی و
چهار است پس چنین عمل تمام کرده بخواب رود آنچه مطلوب است ظاهر
گشود در وجهی بمثل کشفه وی را از آن امر مخفی اخبار نماید و هم در کتاب
در النظیم آورده و از حضرت مقدس مرتضی علی علیه السلام نقل
کرده که فرموده اند که اسم اعظم الله تعالی اسم بزرگوار الظاهر است و بعضی
اکابر در خواص این اسم شریف گفته اند که اگر کسی حروف وی را در مربع
درج کند و در وقت تکرار ذکر بعدد مجمل که هزار و صد و شش است
یا بعدد مفصل که هزار و دویست و نوزده است آن مربع را در پیش خود